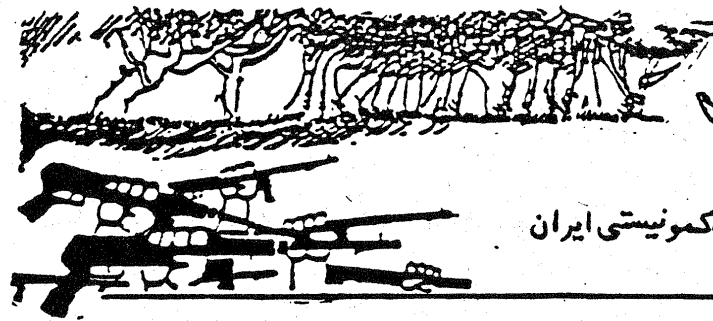


# سیاهگل



آغاز فعالیت جنبش نوین کمونیستی ایران

تا کنون حماسه سیاهگل از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اما اکنون در سیزدهمین سالگرد این حماسه خونین، به جنبه‌ای که از اهمیت ویژه‌ای در شرایط کنونی برخوردار است می‌پردازیم. این جنبه همانا خطو مرزی بود که حماسه آفرینان سیاهگل

بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در جنبش کمونیستی ایران ترسیم کردند. آنها نه تنها با آغاز عملیات مسلحانه، فصل نوینی از تاریخ ایران را پس از کودتای ۲۸ مرداد بنیان نهادند و نقطه عطفی در ر  
بقیه در صفحه ۳

## برخی از جوانب قیام

وجود اینکه بحران اقتصادی در سالهای ۵۶-۵۷ به اندازه کنونی عمیق و وخیم نبود و آگاهی و تجربه سیاسی توده‌ها در مقایسه  
بقیه در صفحه ۷

چرا توده‌ها قیام نمیکنند؟  
چندی است که این سؤال در اذهان عمومی نقش بسته است، بسیاری می‌پرسند که چگونه با

## دربارهٔ طبقه بندی مشاغل

در چند ماه اخیر حرکتی از سوی کارگران در جهت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل صورت گرفته است که چند مورد آن از جمله حرکت کارگران در این مورد در پارس

## قیام بهمن و قدرت سیاسی

تداوم کشاکش انقلاب و ضد انقلاب که قیامی مجدد برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را همچنان در چشم انداز قرار میدهد از یک سو و فرا رسیدن پنجمین سالگرد قیام توده‌ای بهمن ماه که منجر به استقرار رژیم جمهوری اسلامی شد از سوی دیگر، لزوم بازنگری مجدد به مساله اساسی انقلاب یعنی قدرت سیاسی را دو چندان میکند.  
بقیه در صفحه ۲

## در این شماره

● یادداشت‌های سیاسی

● پاسخ به سوالات

● اطلاعیه

کمیته‌های اعتصاب را برای برپائی يك اعتصاب عمومی سیاسی ایجا كنیم

قیام ۲۲ بهمن ماه بمثابه نقطه اوج انقلاب برای چه بود؟ پاسخ خرحه باشد، اینک اما، توده‌های بسیاری پس از گذشت ۵ سال از برآمد انفجار آمیزشان در بهمن ماه، با کوله باری از تجربه و درد و رنج به روزهای پر شکوه قیام می‌اندیشند و به روزهای تاریک و دهشناک کنونی، دیگر بسیاری از آنان به این امر واقف گشته‌اند که عامل تعیین کننده گذار از روزهای پر از امید بهمن ماه به روزهای فقر و نکبت و سیه روزی حال، قدرت سیاسی حاکم بوده است. این وقیف عام، اما هنوز الزاما، بمعنای درک مشخص توده‌ها از قدرت سیاسی نیست. توده‌های میلیونی عامل کلیه مصائب خود را رژیم جمهوری - اسلامی میدانند و به ضرورت سرنگونی این قدرت سیاسی حاکم رسیده‌اند. آنها همچنین بنا به تجارب، خواسته‌ها و غرایز طبقاتی‌شان به خطوط عام آن قدرت سیاسی که باید جاگزین قدرت سیاسی کنونی شود واقفت. لیکن وقوف به اینکه مشخصا کدامین نوع از قدرت سیاسی ظرفیت و توان پاسخگویی به خواسته‌های آنها را دارد، هنوز بطور کامل حاصل نشده است. اگر چه توده‌ها طی سالهای ۵۷ و ۵۸ بطرز شگرفی به ساله نزدیک شدند و تجربه‌های گرانقدر کسب کردند، اما در وجه غالب در ذهنیت آنان جمع‌بندی جامعی از این تجربه‌ها صورت نگرفته و وقوف عامشان نسبت به نوع قدرت سیاسی به درکی مشخص متحول نشده است.

### قیام بهمن و...

توده‌ها بنا به تجارب خود، بنا به مطالبات و غرایز طبقاتی خود و در زمینه او جگیری و گسترش مبارزات انقلابی توده‌های، بطور کلی و تا حد و دی به شناخت از قدرت سیاسی نائل میشوند، و در زمان مناسب حتی تا درجه‌ای و به نوعی به تشکیل دولت میپردازند. با وجود این تاریخ مبارزات طبقاتی در سطح جهانی و نیز جنبش انقلابی - توده‌های ایران در سال ۵۷ بمعینه نشان داد که تا زمانی که توده‌ها به درک حداقلی از ماهیت قدرت سیاسی دست نیابند، تا زمانی که آنها حد اقل شناختی از ماهیت طبقاتی دولت نداشته باشند، تا زمانی که برای آنها مشخص نشود باشد که دقیقا، کدامین نوع از قدرت سیاسی میتواند منطبق با مطالبات انقلابی آنان باشد، بهره‌زی، قطعی انقلاب نامیبر است. عواملی که ناگونی در رهنمون توده‌ها به ساله قدرت سیاسی و تحول کسب و نگهداری آن موثر است که در این میان نقش نیروهای پیشاهنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از اینرو همواره توضیح نقش قدرت سیاسی در سرنوشت توده‌ها و زندگی اجتماعی در مرکز ثقل تبلیغ و ترویج نیروهای پیشاهنگ قرار دارد. اما نحوه تبلیغ و ترویج این ساله خود به شرایط ذهنی توده‌ها مرتبط است. اگر در بحبوحه بعد از قیام، بعطت توهم گسترده توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و مشخصا شخص

خه‌بنی، تبلیغ و ترویج آلترناتیو انقلابی قدرت سیاسی، در وجه عمده از کانال افشای ناتوانی رژیم در پاسخگویی به مطالبات توده‌ها میگذشت حال که دیگر نفی رژیم توده‌گیر شده، مسئله آلترناتیو قدرت سیاسی و پذیرش توده‌های آن بطور مستقیم به ساله درجه اول و سرنوشت ساز انقلاب مبدل شده است. اکنون، اما، شرایط با سال ۵۷ کاملا متفاوت است. تجارب ۵ سال گذشته و به ویژه تجارب روزهای قیام و پس از آن ضمن آنکه توده‌ها را از دوران رکود و رخوت سیاسی گذشته جدا ساخته و آنها را به درک و پذیرش آلترناتیو انقلابی قدرت سیاسی نزدیک ساخته است دستمایه‌های عظیمی را برای نیروهای پیشاهنگ جهت تبلیغ و ترویج نقض و ماهیت قدرت سیاسی فراهم نموده است. این چنین زمینه‌های مساعدی در پذیرش آلترناتیو انقلابی از سوی توده‌ها تا به این درجه از گستردگی و عمق در دوران تدارک قیام سال ۵۷ وجود نداشت. طی ۵ سال گذشته، بیش از هر زمان دیگری، طبقات و اقشار مختلف اجتماعی توان تاریخی و طبقاتی خود را در عرصه کارزار مبارزات طبقاتی به نمایش گذاشتند. دیگر زمینه‌های ان گیسری توده‌های که حتی نیروهای انقلابی را خم تا درجه‌ای در خود غرق کرده بود همزمان زیادی در هم شکسته و ضعیف شده است. آن در هم آمیختگی نسبی طبقات که نقطه قوت جنبش در تسریع سرنگونی بود و در عین حال و بطور مهمتر و

بینه در صفحه ۱۱

**مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست**

# سیاهگل، آغاز...

حرکت بیشتر و انقلابی در آن مقطع زمانی پدید آوردند. بلکه از همان ابتدا غط و رمز روشنی بین کمو نیستهای واقعی و اپورتو نیستهای رنگارنگ رفرمیست و روریزیست ترسیم کردند. پس از وقایع ۲۸ مرداد و پیس از خیانتهای بی شرمانه خائنین حزب توده و تبلیغات زهر آگین رژیم شاه مبنی بر کمو نیست قلمداد کردن آنها، ۱۹ بهمن ۴۹ بیانگر طرد روریزیست برای یک دوره تاریخی و آغاز فعالیت کمو نیستهای راستین بود که با نثار خون خویش، سنگ بی آبرویی کمو نیست نماها را شست و حیثیت جنبش کمو نیستی را به بهای فدای کاربها، از خود گذشتگیها و جاننازیهای بهترین فرزندان خلق باز گردانید.

این روند تا مقطع قیام خونین خلق یعنی طی ۸ سال، علی رغم سرکوبهای بی وقفه دژ خیمان شاه تداوم یافت در شکنجهگاهها رژیم شاه، فدائیان خلق از رهبران گرفته تا کادرها، اعضا و هواداران، حماسه ها آفریدند و با مقاومتها دلیرانه خود سنت فدائیی خلق را جاودان داشتند. تلاشهای مزدوران شاه برای بزاندن و آوردن فرزندان خلق و برگزاری نمایشات تلویزیونی بشکست انجامید.

رققای ما با آغوش باز و سررود رهائی خلق به پیشواز مرکب شتافتند و به حوخته های اعدام پوز خند میزدند اما سازش نمیکردند.

پس از سرکوبهای سال ۴۹ و ۵۰

که بخشی از رهبران و کادرهای سازمان بشهادت رسیدند. بزرگترین فربه وارده بر سازمان در سال ۵۵ پیش آمد که تمامی رهبری سازمان و از جمله فدائیی کبیر حمید اشرف در محاصره دژ خیمان ساواک شاه قرار گرفتند و طی حماسه آفرینی های خود در مهرآباد جنوبی و پس از یک درگیری چند ساعته بشهادت رسیدند اما علی رغم تمامی ضربات سازمان همچنان به حیات پر افتخار خود و بر اساس خط مشی انقلابی خود تداوم بخشید و سرانجام در جریان قیام پسر شکوه خلق با شرکت همه جانبه و در حد توان، توده ها را در تصرف پادگانها، رادیو تلویزیون، کلابها و ... یاری رسانید و شهادتی نیز تقدیم انقلاب کرد.

اما سه ماه پس از قیام بهمن ۵۲، بار دیگر سر و کله حزب منافسن توده نمایان شد و رهبران حزب، بار دیگر داردسته رسوای خود را براه انداختند و کسب و کارشان بار دیگر رونقی گرفت اینبار ثنا گویان شاه و مدعیان "سمتگیری سوسیالیستی شاه" به ثنا گویی خصمی و دارودسته اش بدل شدند آنها از همان ابتدا فعالیت های انقلابی سازمان را مورد انتقاد قرار میدادند و شرکت سازمان در جنبش انقلابی خلق کرد و همیاری سازمان را در تشکیل شوراهای خلق ترکمن "چپ روانه" و "خیانت

بر جنايات رژیم سرپوش مينهادند و رویای سمت گیری سوسیالیستی رژیم جمهوری اسلامی را با بستن چند قرارداد با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ویا تا به پیدای قرارداد های بسته شده در زمان شاه، تحقق یابنده میبنداشتند بدلیل عدم تدقیق مواضع ایدئولوژیک سازمان پس از قیام آنها از طریق عنصر خائن و خود فروشی چون فرخ نگهدار و همپالنگی های وی، حیل گرانه و مزورانه، خط و مشی اپورتونیستی خویش را بدرون سازمان رسوخ دادند و انشعاب سال ۵۹ را پدید آوردند که جریان سوسیالیستی به "اکثریت" بخشی از توده های نا آگاه تشکیلات را بدنبال خویش کشانید. این حرکت بقدری مزورانه و گام به گام صورت گرفت که بجز کادرهای رهبری "اکثریت"، اکثر اعضا و هواداران آن تصور نمیکردند که توده ای شده اند و حتی برخی از آنها میگفتند اگر بدانیم روزی توده ای شده ایم خود کشتی میکنیم! سپس مسئله وحدت این جریان با حزب توده مطرح شد. عناصری که خوب شستشوی مغزی شده و کاملاً مسخ شده بودند در صف موافقین قرار گرفتند و آنهایی که هنوز با اصطلاح خود را توده ای نمیانستند در صف مخالفین جای گرفتند و با این ترتیب "اکثریت" دوباره شد و دسته اول به جریان فرخ نگهدار و دسته دوم به کشتگری معروف شدند. البته این معروفیت در میان روشنفکران مطرح بود. در میان توده ها تنها جریان فدائیی سازمان بود

پرویز باد مبارزات ضد امپریالیستی و مگراتیک خلقهای ایران

# سیاهکل، آغاز فعالیت

که همچنان علیرغم تمامی اینگونه خیانتها، خط و مرز خود را با اپورتونیسیم حفظ کرده و بفعالیت انقلابی خود قاطعانه ادامه میدهد. بطور کلی توده ها نه بر اساس تقویری که بر مبنای غرایز طبقاتی خود بدرستی "اکثریتی" ها را همان توده ایها میدانند و امروز هواداران عقب مانده آنها تازه باین واقعیت واقف گشته اند.

بهر روغلاوه بر حزب توده، "اکثریت" (هر دو جناح) بر ثبات گویان رژیم اتزوده شد و آنان نیز بدنبال تشویرهای روزیونیستی راه رشد غیر سرمایه داری و گذار مسالمت آمیز و رقابت اقتصادی و روان شدند و اکنون نیز در اوین تشویرهای شکست خورده خود را در محک آزمایش نهادند!

رژیم جمهوری اسلامی همچون خلف خود رژیم شاه و همچون همه رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی، سرکوبهای وحشیانه خود را از سازمانهای فعال و انقلابی آغاز کرد و سرانجام نوبت به حزب توده و نوچه هایش یعنی اکثریتی هارسید آنها که دوشادوش رژیم و مزد و رانش در خیانت به انقلاب و انقلابیون کوشا بودند بدامی افتادند که خود نیز سهمی در ایجاد و تقویت آن داشتند و سرانجام نمایشات تلویزیونی پایان حیات ننگین این این خائنین به خلق رارقم زد.

رژیم جمهوری اسلامی تلاش گسترده و تبلیغات وسیعی را سازمان داد تا همچون رژیم شاه

توده ایها را کمونیست قلمداد نماید اما توده ها طی ۱۳ سال مبارزه خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بخوبی کمونیستها را واقعی را از کمونیست نماها باز میثنا سند و خیمه شب بازیهای رژیم کارائی چندانی ندارد.

نمایشات تلویزیونی رهبران حزب توده که بدون استثناء در صحنه حاضر شدند و نقشهای تعیین شده را در تاتر رژیم ایفا کردند، بار دیگر بوسیدگی و گند بدگی این تشکیلات را بنمایش نهاد. تبلیغات مدافعین آنان در خارج از کشور حاکی از آنست که آنها تحت فشارهای روحی و جسمی و شکنجه های وحشیانه تن به چنین خفتی داده اند، اما مگر فدائیان دلاوری که طی همین سه سال اخیر سرکوب بی رقیه رژیم جمهوری اسلامی لب ننگشوندند

و حتی آدرس خانه مسکونی خویش را نیز به دشمن ندادند کمتر از آنان شکنجه شدند. طی سه سال اخیر تعدادی از بهترین رفقای کادر رهبری سازمان زیر شکنجه های قرون وسطائی رژیم بشهادت رسیده اند. از اسفند ۶۰ تا کنون ما بارها مورد تهاجم رژیم قرار گرفتیم و تعدادی از رفقای ما که برای رژیم شناخته شده بودند در تورهای خیابانی زنده بچنگ رژیم افتادند اما مقاومتهای حماسه آفرین رفقا، نه تنها امکانات سازمانی را حفظ کرده است بلکه هر ضربه در محدوده خود باقیمانده و این نشانگر ایمان و اعتقاد رفقای

ما به آرمانهای والای سازمان و عشق عمیق آنان به توده ها و تداوم مبارزه بوده است. طوسه سال اخیر تنها یک مورد خیانت و خود فروشی در سطح کادرها بالا و اعضاء سازمان داشته ایم که همان احمد عطالهی خائن بوده است. ظل و ریشه های این مورد استثنائی نیز کاملاً روشن است که مهمترین آن خلا ایدئولوژی بوده است وی در مقطع ضربات دچار خلا ایدئولوژیک بود زیرا از یکسو خط و مشی سازمان و مواضع ایدئولوژیک سیاسی سازمان را نفی میکرد و از سوی دیگر هر چند تحت تاثیر تفکرات تروتسکیستی (الف - ر) قرار داشت اما هنوز حتی به آن مواضع نیز کاملاً دست نیافته بود، در چنین شرایطی ضربات اسفند ۶۰ پدید آمد و او به خیانتی عظیم تن داد و با خود فروشی خود و همکاری همه جانبه اش با مزدوران رژیم چند تن از بهترین رفقای کادر مرکزی و اعضاء را بچنگال رژیم افکند.

باعتماد ما بهترین عامل که موجب میشود تا سخت ترین شکنجه ها قابل تحمل گردد، ایمان و اعتقاد به ایدئولوژی و انقلابی بودن آن ایدئولوژی و هدفمند بودن مبارزه و ارتقاء فرد تا سطحی است که به یک مبارزه تا پای جان دست زرد طبیعی است که فرصت طلبان و دنباله روان که اساساً استقلال فکری و ایدئولوژیک ندارند و عمل نیز ابطال لاطایلات خود را در روند مبارزه طبقاتی مشاهده میکنند، با کوچکترین فشار در هم شکسته و تسلیم دشمن میگردد و تا بقیه صفحه

جاودان باد خاطره همه شهیدای بخون خفته خلق

پاسخ به سئوالات

# کار و کارگران و زحمتکشان و هواداران

بدنهال درج مقاله "آلترناتیو - پرولتری و مسئله تصرف قدرت" - مندرج در کار شماره ۱۲۱ و مقاله "سبک کار خرده بورژوازی" - مندرج در کار ۱۲۲، سئوالاتی برای برخی از رفقا، کمیته کارگری در مورد برخورد به خرده - بورژوازی مطرح گردید که از سوی مسئولین مربوطه پاسخهای لازم داده شد و در همین حال سئوالات و پاسخ های آن برای تحریر به کار ارسال شده است. از آنجا که پاره ای از سئوالات در ارتباط مستقیم با مسائل کنونی انقلاب و وظایف پیشاهنگ قرار میگیرد و از اهمیت ویژه ای برخوردار است و همچنین ممکنست برای برخی رفقای هواداران نیز مطرح باشد، به درج نوموید از آنها که عمومیت بیشتری دارند و پاسخهایشان خواهیم پرداخت و از برخورد های انقلابی، موشکافانه و خلاقانه رفقا در مورد مقالات کار قدر دانی میکنیم و منتظر نامه های بعدی رفقا هستیم. و اما دو سوال از عمومیتترین سئوالات بشرح زیر است:

۱- با توجه به وحدت مجاهدین با بورژوازی لیبرال و پذیرش و ارائه برنامه بورژوازی فرمیستی "میثاق" و برنامه دولت موقت و تشکیل جبهه بورژوائی "شورای ملی مقاومت" با هم میتوان مجاهدین را در صف خرده - بورژوازی انقلابی و دمکرات قرار داد و متحد انقلاب دانست؟

۲- در صورت منفی بودن سوال فوق آیا مرحله انقلاب (با خارج

شدن خرده بورژوازی دمکرات (مجاهدین) از صف انقلاب و پیوستن آنها به صفوف بورژوازی) - سوسیالیستی ارزیابی میشود یا خیر؟  
رفقا! هنگامیکه اولین کنگره سازمان قطعنامه مربوط به احزاب سیاسی و "شورای ملی مقاومت" را تصویب کرد، زمانی بود که رهبری مجاهدین با بورژوازی لیبرال عهد میثاق بسته بودند. توده های هواداران مجاهدین در آن مقطع که میثاق انتشار یافت در مقابل عطی انجام شده قرار گرفتند چرا که قبل از وقایع ۳۰ خرداد که از سوی مجاهدین دفاع آشکار از بنی صدر مطرح شده بود، ما زمان مجاهدین برای هواداران خود چنین استدلال میکرد که بنی صدر گرچه نماینده بورژوازی است اما در مقابل حزب ارتجاعی حاکم یعنی جمهوری اسلامی باید موقتا از وی حمایت شود و قدرت وی در ریاست جمهوری جمهوری باقی بماند و همچنین معتقد بود و یا چنین القا میکرد که باید از تضادهای دو جناح حاکم استفاده شود. اما پس از اصلاح برنامه شان و سپس "برنامه دولت موقت" مشخص شد که وحدت آنها با بنی صدر وحدتی موقت و تاکتیکی نبوده است و حتی در تقسیم مقامها "رئاست جمهوری" برای بنی صدر منظور گردید. در آذر ماه ۶۰ که کنگره سازمان برگزار گردید، قطعنامه زیر تصویب رسید:

این سازمانهای سیاسی (دمکرات انقلابی از جمله مجاهدین) از منافع طبقاتی و تمایلات لایه های پائینی و متوسط خرده بورژوازی دفاع میکنند، دارای خصوصیات انقلابی بوده و در مرحله انقلاب دمکراتیک جز نیروهای انقلابی محسوب میشوند اما در همین حال باید علیه نا پیگیری آنها مبارزه کرد. و در مورد "شورای ملی مقاومت" قطعنامه کنگره "شورا" را ائتلاف میان بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی و مغایر با منافع انقلاب و پیروزی قطعی انقلاب ارزیابی میکند. موضع پرولتاریا را پافشاری روی دمکراسی پرولتری، مبارزه در جهت درهم شکستن ائتلاف لیبرالها و دمکراتها و جدا کردن دموکراتهای انقلابی از لیبرالها میدانند. از اینرو برنامه بورژوازی - فرمیستی آنها پدید آمده است و در مقطع کنگره نیز با توجه به همین برنامه، مصوبات فوق تصویب شده است.

کمونیستها بر این واقعیت واقفند که در شرایط ضعف سازمانها ی کمونیستی، خرده بورژوازی سمت بورژوازی گرایش مییابد. این گرایش از نروست که خرده بورژوازی اساساً برنامه مستقلی ندارد و بنا بر این بین بورژوازی و پرولتاریا در نوسان است. هر چند منافع طبقاتی اقشار پائینی و میانی خرده بورژوازی بالاخص در جوامع با ساخت سرمایه داری وابسته و در نزدیکی و پیوند با پرولتاریا بقیه در صفحه ۴

# کار و

امانآگاهی او بمنافع واقعی اش را و را بست بورژوازی سوق میدهد همچنانکه متذکر شدیم منافع طبقاتی خرد بورژوازی بالاخص لایه های پائینی آن چنین وحدتی را ایجاد نمی کند و روند مبارزه طبقاتی بویژه سازمانیابی طبقه کارگر، این پیوند را میگذرد و حتی اگر رهبری چنین جریاناتی بخواهند این پیوند را حفظ کنند، توده ها مدافع حزد یعنی پایگاه اجتماعیشان را از دست خواهند داد. از این رو این وحدت که اکنون در " شورای ملی مقاومت" متجلی گردیده از آنجا که منطبق با منافع توده هائیت در روند گسترش مبارزه طبقاتی و در شرایط همزونی پرولتری بر جنبش و تبلیغ برنامه عمل پرولتری در مرحله انقلاب دمکراتیک و واقف ساختن خرد بورژوازی بمنافع تاریخی اش این پیوند "قطعا" در هم خواهد شکست. بدین دلیل است که معتقدیم خرد بورژوازی متحد ما در انقلاب دمکراتیک توده ای آتی خواهد بود. اما روند جدا سازی ما زمان مجاهدین از این پیوند، از دو طریق میسر است که در ارتباطی لاینفک با هم قرار دارند: از یکسوافشای تزلزلات خرد بورژوائی و افشای برنامه بورژوا فرمیستی آنها و از سوی دیگر متشکل کردن و سازمان دادن طبقه کارگر بمنابه طبقه تا باختر انقلابی، تشکیل حزب کمونیست و اعمال همزونی عملی پرولتاریا بر جنبش. ما بر این اعتقادیم که باید خرد بورژوازی را از بدل

شدن به دنبالچه و زائده بورژوازی باز داشت و در این راستا تا کنون قاطعانه حرکت کرده ایم. هرگونه سکوت در مقابل تزلزلات خرد بورژوازی، عدم افشای مآشات طلبی آن با بورژوازی نه تنها بمنزله تقویت صفوف انقلابیست، بلکه "قطعا" موجب تضعیف انقلاب مییابد. چرا که سکوت در مقابل برنامه های بورژوائی آنان به مفهوم خیانت به منافع طبقاتی خرد بورژوازی محسوب میشود. واقعیت اینست که روی کار آمدن رژیم با ترکیب کنونی " شورای ملی مقاومت" هر چند تفاوتی با رژیم جمهوری اسلامی دارد یعنی بجای خرد بورژوازی سنتی مرفه خرد بورژوازی جدید و بجای بورژوازی تجاری، بورژوازی لیبرال قرار دارد اما اساسا " چنین ترکیبی یعنی وحدت بورژوازی و خرد بورژوازی چیزی جز تحقق منافع بورژوازی نخواهد بود حتی اگر عناصری از خرد بورژوازی به پستهای نیز برگمارده شوند عملا" به زائده بورژوازی بدل میگردد و اما در مورد سوال دوم، هم چنانکه در پاسخ سوال اول گفته شد، با فشاری مجاهدین بر وحدت با بورژوازی مفهوم خارج شد سازمان مجاهدین از صف انقلاب نخواهد بود. آنچه که اکنون شاهد آنیم پدید غیر منتظره ای نیست چرا که خرد بورژوازی زمانیکه آلترناتیو پرولتری در جامعه از قدرت و توان لازم بر خردار نیست سمت بورژوازی گرایش مییابد و با وی متحد میگردد و لسی بارها در تاریخ مبارزه طبقاتی شاهد بوده ایم که زمانیکه توازن قوا بهم می خورد

و پرولتاریا به وزنه ای بدل میگردد، خرد بورژوازی بدان جهت سوق پیدا میکند. برخی ساده نگری زمانیکه خرد بورژوازی به بورژوازی گرایش نشان میدهد، چنین می اندیشند که خرد بورژوازی بورژوازی شده است و یا برعکس هنگامیکه بسوی پرولتاریا میآید و با وی وحدت میکند، چنین می پندارند که خرد بورژوازی به پرولتاریا بدل شده است. حال آنکه باید خرد بورژوازی را با توجه به نقش اقتصادی سیاسی و موقعیت مشخصی که در آن لحاظ مناسبات طبقاتی جامعه قرار دارد در نظر گرفت. خرد بورژوازی بدون اتحاد با پرولتاریا قادر نیست نقش انقلابی خود را ایفا کند و به اهداف خود خاستهای خود دست یابد این یک واقعیت انکار ناپذیر است اما در این میان بورژوازی نیز خواستار وحدت با خرد بورژوازی علیه پرولتاریاست و در شرایط ضعف پرولتاریا موفق میشود بدین خواست تحقق بخشد. اما روند مبارزه طبقاتی این اتحاد را می شکند و اما مرحله انقلاب با چنین پیوندهائی تغییر نمی یابد بلکه مجموعه عواملی که مرحله انقلاب را تعیین میکند تا حل تضادهای آن مرحله از انقلاب پا بر جا خواهد بود و این ما زمانهای سیاسی مدافع توده ها هستند که در جریان مبارزه طبقاتی ناچار میشوند یا در جهت منافع تاریخی پایگاه اجتماعی خود گام بردارند و یا بزوال و نابودی کشانده شوند.



# برخی از ...

با شرایط کنونی نسبتاً کمتر بود توده ها برخاستند و رژیم شاه را سرنگون کردند، ولی اکنون با وجود بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و داشتن آگاهی و تجربه بسیار بر نمی خیزند و قیام نمیکنند برخی کیش شخصیت خمینی و باقی مانده و فاداری ناشی از توهم توده های عقب مانده به وی را مانعی بر سر راه قیام مردم میدانند آنها چنین استدلال میکنند که تا خمینی زنده است تناقضات درونی رژیم اوج نخواهد گرفت و دستگاه اختناق و سرکسوب جمهوری اسلامی همچنان بر سر توده ها باقی خواهد ماند و توده ها نیز بعلت ترس و وحشت از "برادر کشی" و یا اینکه به علت وجود بخشی از توده های عقب افتاده ای که هنوز نسبت به خمینی وفادار هستند، از قیام و خیزش خود داری می ورزند . استدلال فوق از آنجائیکه روند اجتماعی - اقتصادی را تابع کیش شخصیت میکند و بر اساس آن ( و نه نقش تاریخی - اقتصادی آن شخصیت ) نتیجه گیری میکند به جمع بندی غلطی میرسد .

ما قبلاً نیز در سری مقالات "در تدارک قیام" مکرراً بر این نکته تأکید کرده ایم که قیام همچنان هر پدیده دیگر اجتماعی تابع قوانین معین است . درست است که بحران اقتصادی بسیار عمیق است و آگاهی توده ها و تجربه آنها بسیار زیاد گشته است، ولی هنوز شرایط برای قیام کاملاً آماده نشده است . در سال ۵۷ بعلت وجود آلترناتیو رهبری توده ای، قیام

توده ای شکل گرفت ولی اکنون با وجود پتانسیل انقلابی توده ها و بعلت عدم وجود آلترناتیو ، این روند خیلی کند به پیش می رود قوانین حاکم بر قیام، خارج از اراده هر فرد و نیروی اجتماعی و حتی طبقه ای عمل میکند و این طبقه یا نیروی اجتماعی یا فرد است که تابع آن قوانین میباشد و بر اساس آنها عمل میکند .

شخصیت خمینی نیز مانند هر فرد دیگری تابع قوانین اجتماعی است . نگاهی اجمالی به روند شکل گیری شخصیت خمینی بمشابه یک "رهبر توده ای" افست و تبدییل شدنش به دشمن اصلی همگان توده هائی که وی را رهبر می شمردند، گواه انکارنا پذیر چنین جمع بستنی است که خمینی نیز برای این قوانین عمومی نبوده و نیست . اکنون نیز قوانین عمل میکنند . خمینی و کیش شخصیت وی قادر نیست تناقضات درونی هیئت حاکمه را که بیان منافع مختلف طبقاتی و حاکی از تناقضات عمیق جامعه است از حرکت باز دارد . اگر در متلور شدن اختلافات درونی گاهها" وقفه ای می بینیم، نه بعلت کیش شخصیت وی، بلکه از آنروست که هنوز تناقضات، امکان انکشاف دارند . ما بارها در این مدت کوتاه شاهد بوده ایم که خمینی مجبور شده تابع حرکت های درون جامعه گردد و نتوانسته است از اختلافات درون هیئت حاکم ( با وجود تمامی هشدارهایش که شدت گیری و پروز علنی اختلافات تا بودی اسلام است و نا بودی اسلام نا بودی جمهوری اسلامی است ) جلوگیری بعمل آورد . روند تکوین اختلافات

درونی،ها و وجود خمینی باید و وجود وی رشد خواهد کرد . انفجارها خفیف به انفجارهای قوی علیرغم بیل خمینی بدل خواهد شد . چنانکه تا کنون اینچنین بوده است . اگر چه در مواقعی وجود خمینی سبب شده که اختلافات دیرتر آشکار شود و یا در مراحل تا اندازه ای به کشاکش های ناهود کننده منجر شود ، لیکن وجود خمینی نتوانسته و نمی تواند ریشه های این تناقضات را که به اشکال مختلف بروز میکند بخشکاند . به عبارت دیگر، تکوین و رشد این روند علیرغم میل خمینی و با وجود وبدون وجود وی بمعنی ناپدیده گرفتن نقش خمینی در چگونگی تطور روند فوق و موازنه قدرت درونی و چگونگی انفجار نیست . برای نمونه میتوان گفت که در صورت عدم وجود خمینی، جناحهای رقیب سریعتر دست به اقدامات بسیار علنی و آشکار میزدند .

با وجود این روند فوق نیز به بن بست خواهد رسید و روزی فرا میرسد که علیرغم حضور خمینی جناحهای رقیب آشکارا بجان هم افتند . وجود خمینی همچنان که هم اکنون شاهد آنیم، بمعنی از بین رفتن اختلافات درونی و با حتی تعدیل آنها نیست بلکه بدین معنی است که در موازنه قدرت حاکم، هنوز هم تا حدی نقش میانجی را ایفا میکند .

هر چند که طبقات حاکم برای تداوم حکومت متزلزل خود، او را مافوق طبقات و فارغ از منافع خاص طبقاتی قلمداد کرده و جای داده اند و از اینرو نقش میانجی

# برخی از...

یافته است و پشابه اهرمی، هنوز هم در منازعات جناحهای مختلف هیئت حاکمه بحساب میآید، اما این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که نقش میانجی گری صرفنظر از دیدگاههای طبقاتی، خود تابعی است از توان و پیر-آیند منازعات درونی هیئت حاکمه. اکنون آشکار است که انفجارهای مختلفی که بطور پراکنده متلور میشود، حاکی از وجود اختلافات درون‌ها عمیقی است که در هیئت حاکمه وجود دارد و بطور اجتناب ناپذیری این روند تکوین مییابد. اختلافات به مراحل تعیین کننده تری نیز خواهد رسید ولی هنوز این امر بطور کامل انجام نگرفته است. یکی از شرایط قیام این است که طبقه حاکمه در ضعیفترین حالت خود قرار گرفته باشد و نتواند بشکل گذشته به حاکمیت خود ادامه دهد. این شرط هنوز آماده نگشته است ولی بسیار واضح است که به مراحل سرنوشت سازی رسیده است.

عامل دیگری که برخی آنرا بعنوان عامل بازدارنده توده ها در پائی قیام طرح میکنند عامل سرکوب و ترس ناشی از آن است. در این مورد باید گفت با وجود اینکه رژیم آخرین تلاشهای خود را بکار گرفته است و از انواع مختلف اهرمهای اختناق و ایجاد ترس و وحشت استفاده میکند اما نتوانسته است توده ها را از

مبارزه و اعتراض باز دارد. رژیم اگر چه در آغاز روی آوری به سرکوب گسترده، وحشیانه و قرون وسطائی (پس از ۳۰ خرداد) توانست بمیزان وسیعی توده ها را به عقب نشینی وادارد و ترسی زاید الوصف را بر جامعه حاکم گرداند که هیچکس را بهارای سخن نباشد. توده ها اکنون آشکارا، در کارخانه ها و روستاها در جنبه ها، ادارات و در کوجه و خیابان و... به خمینی ناسزا می گویند بطوریکه این امر همه گیر شده است. ما هم اکنون شاهد اشکال مختلف از مبارزات انقلابی آنها هستیم از جمله امتصاها، کم کاری، تحریم و تسخر مسئولین مطلق و... آشکالی که نشان میدهد رژیم در سیاست باز داری توده ها از مبارزه در سایه اختناق و سر نیزه نتوانسته موفق باشد. حاکمیت سر نیزه هر گاه موفق به اصلاحات اجتماعی - اقتصادی نباشد موقتا هم نمی تواند پا بر جا بماند. بنابراین این توده ها از اینکه دست به مبارزه بزنند هراس ندارند اما مسئله ای که توده ها هنوز برای آن آماده نیستند مسئله مبارزه تا پای مرگ است. و این عامل یکی دیگر از شرایط قیام است. سومین عامل باز دارنده ای که مطرح میشود توده های عقب افتاده ای هستند که هنوز به رژیم وفا دارند. اکنون باید گفت اکثریت توده ها حتی توده های عقب افتاده دشمن رژیم حاکم هستند و در تجربه روز مره زندگی خود دریافته اند که فریب

خورده اند، دستان پرو پاقرصی در پروز خمینی و رژیم وی اکنون به دشمنان قسم خورده وی بدل گشته اند. دیگر از آن توده عقب افتاده ای که در ابتدای قیام سخت از خمینی و رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکردند خبری نیست اکثریت آنها از رژیم وی بریده اند و باقی مانده نیز میتوان گفت نسبت به رژیم وی متزلزل گشته اند. از اینرو به دشمنان متزلزل انقلاب بدل گشته اند. از جمله شرایط قیام این است که در صفوف دشمنان انقلاب متزلزل پدید آید و دستان متزلزل انقلاب نیز به صف انقلاب روی آورند. اکنون به میان میتوان آغاز این روند را در صفوف دشمنان متزلزل انقلاب و همچنین دستان متزلزل انقلابی دید. شرط فوق از شروط قیام هستند کافی نیست که بحران عمیقی جامعه را فرا گرفته باشد و توده ها از آگاهی و تجربه بالنسبه خوبی برخوردار باشند بلکه لازم است شروط فوق الذکر نیز از نظر عمیقی بوجود آمده و کامل و پخته شده باشد. حال سوال این است که چگونه در سال ۵۷ با وجود اینکه بحران آنچنان عمیق نبود و آگاهی توده ها بالنسبه نسبت به وضعیت آنها در شرایط کنونی کمتر بود قیام خیلی سریع شکل گرفت و انجام یافت؟ ولی در شرایط کنونی که بحران به مراتب عمیق تر است و آگاهی مردم به مراتب بالاتر است قیام شکل نگرفته است و شرایط آن آماده نشده است؟ با مقایسه این دو شرط به این بقیه در صفحه ۱۵

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است



## درباره

چه با صرفه تر نیروی کار خود به سرمایه داران استثمارگر، اجرای طبقه بندی مشاغل مطبق خواسته‌ها مرحله‌ای و فوری کارگزاران میباشد و از آنجا که سرمایه داران نیز جهت حفظ منافع طبقاتی خود خواهان اجرای طبقه بندی مشاغل اما کاملاً مخالف خواسته های طبقه کارگر میباشند، رژیم جلال جمهوری اسلامی این حامی بی چون و چرای منافع سرمایه داران و سرکوب کننده کارگران و زحمتکش و نیروهای انقلابی حامی آنها نیز در اواخر سال ۱۳۶۱ طرح طبقه بندی مشاغل کارگران را بعنوان همزاد "پیش نویس قانون کار" انتشار داده و اخیراً نیز حول اجرای آن جار و جنجال راه انداخته است. در این مقاله سعی میشود تا پرده از پیچیدگی های مزورانه که سرمایه داران در طبقه بندی مشاغل بدانها متوسل میشوند ببرد ازیم تا کارگران با برخورد آگاهانه و مسلط با آن و با حرکت متشکل و سراسری خود، اجرای طبقه بندی مشاغل مورد نظر خود را به رژیم سرمایه داران تحمیل کنند طبقه بندی مشاغل بدنبال رشد و گسترش صنایع و تشدید تقسیم کار در جوامع سرمایه داری از یک طرف و اوجگیری مبارزات کارگران برای افزایش دستمزدها از طرف دیگر مطرح شد. سرمایه داران خواهان اجرای طبقه بندی مشاغل جهت جلوگیری از رشد مبارزات کارگران و پرداخت حداقل دستمزد میباشند و در مقابل طبقه کارگر در چهار چوب مبارزات صنفی خود خواهان ضوابطی برای فروش هر چه

صرفه تر نیروی کار خود میباشد کارگران خواهان آنند که تجربه تخصصی و سختی شرایط کار جزو معیارهای اصلی تعیین دستمزد مشاغل مختلف باشد و کارگران یک رشته شغلی، در سراسر کشور دستمزد ثابتی دریافت دارند تا ناچار نباشند برای دریافت دستمزد بیشتر به نقاط مختلف آواره شوند.

طبقه بندی مشاغل حدود ۵۰ سال پیش در آمریکا و بعد از جنگ جهانی دوم در انگلستان و سپس در سایر کشورهای سرمایه داری بمورد اجرا درآمد. در ایران نیز طبقه بندی مشاغل از سال ۱۳۴۹ مطرح و در سال ۱۳۵۲ بتصویب مجلس شاه جلال رسید. رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای غصب قدرت سیاسی، همان سیستم آریامهری را با کمی رنگ و لعاب تا فروردین ماه ۱۳۵۹ بمورد اجرا گذاشت، تا اینکه در برابر مقاومت کارگران در مقابل ضوابط ضد کارگری این طرح، ناچار به توقف آن شد و اقدام به اجرای طرح جدیدی در تعدادی از کارخانجات نمود و بالاخره در بهمن ماه ۱۳۶۱ طرح دلخواه سرمایه داران را در غالب عناوین مزورانه و پیچیده اعلام کرد. طبقه بندی مشاغل از دید سرمایه داران!

سرمایه داران از اجرای طبقه بندی مشاغل، کسب سود بیشتر از طریق پرداخت حداقل دستمزد و جلوگیری

از تشکل و حرکت طبقه کارگر را در نظر دارند و برای رسیدن باین هدف خود، از قبول طبقه بندی مشاغل برای سراسر کشور سر باز زده و امر طبقه بندی مشاغل را منوط به اراده سرمایه داران هر کارخانه میکنند. آنچه که هنگام پیاده نمودن طبقه بندی مشاغل در هر کارخانه توسط کارشناسان وزارت کار سرمایه داران در الویت محض قرار دارد، همانا تأمین حداکثر سود برای سرمایه داران و جلوگیری از تشکل کارگران میباشد. برای مثال کارشناسان وزارت کار سرمایه داران در دو کارخانه "الف" که کارخانه تولیدی بزرگ است و کارخانه "ب" که کارخانه تولیدی کوچک است، ابتدا مشخص میکنند که برای بازدهی هر چه بیشتر سرمایه، چه بستها و سمتهایی لازم است و چه ضوابطی باید تعیین گردد تا بهره کشی از کارگران بهترین نحو انجام گردد، سپس کارگران را با آن بستها و سمتهای تطبیق میدهند. حال اگر در کارخانه "الف" پنج رده و در کارخانه "ب" سه رده از مهندسان تولید تا کارگر ساده در نظر گرفته شود. کارگری که در کارخانه "الف" در رده دوم قرار دارد، وقتی بعلت وجود بیگاری در جامعه مجبور است در کارخانه "ب" استثمار شود، تحت ضوابط کارخانه "ب" بعنوان کارگر ساده ارزیابی میشود. حال بینیم در طرح طبقه بندی مشاغل اعلام شده از طرف رژیم جلال جمهوری اسلامی، چه تضمینهایی برای پیاده نمودن نکات فوق بنفع بقیه در صند ۱۰

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



## در باره

سرمایه داران در نظر گرفته شده است: طبق جز' ب بند ۴ ضوابط طرح " تهیه طرح طبقه بندی مشاغل پس از انجام توافق بین سرپرست و کارکنان و ارائه وثبت توافقنامه به وزارت کار و امور اجتماعی طبق راهنمایی این وزارت صورت خواهد گرفت، و طبق جز' ج بند ۴ ضوابط طرح، توافقنامه بین مدیریت و کارکنان بایستی حاوی قبول موارد زیر باشد:

- ۱- انتخاب طراحان از میان طراحان مورد تأیید وزارت کار و امور اجتماعی
- ۲- محدودیت افزایش سطح متوسط کل دستمزد در اثر اجرای طرح و پرداخت دستمزد کارکنان برابر دستور العمل اجرایی طرح و عدم پرداخت ماهه التفاوت تطبیق بمنظور متناسب نمودن و تعدیل سطح مزد ها
- ۳- پذیرش حکمت وزارت کار و امور اجتماعی و طبق ماده ۷ نحوه تطبیق طرح " سوابق کار کارگر در خارج از این کارگاه در صورتیکه مرتبط با شغل باشد با تأیید کمیته طبقه بندی ( بخوان کمیته تأمین منافع سرمایه دار ) مشاغل جهت جانشینی احراز شغل از لحاظ تجربه و نیز اخذ پایه قابل احتساب میباشد ."

با تمام شیادی به کار گرفته شده در تدوین جملات، موارد فوق بخوبی گویا است که هیچگونه تشکیلات کارگری از جمله شوراهای سندیکاها ( که قانوناً تشکیل آنها اجنبیت و مجازات آن اعدام میباشد ) دخالتی در تهیه طرح ندارد و همه چیز باراده سرمایه دار و وزارت

کار سرمایه داران است و ضمانت سطح دستمزد ها نیز حتی کاهش یافته و ماهه التفاوت دستمزد نیز بهیچ وجه پرداخت نمیگردد و حکمت نیز با وزارت کار سرمایه داران است!! از این بهتر نمیشود! هر سرمایه دار در کارخانه خودش برای خودش تصمیم میگیرد . هیچ گونه تشکیلات کارگری بوجود نخواهد آمد و میزان دستمزد برای کار مشابه نیز در سراسر کشور یکسان نمیشود .

از طرف دیگر طبق بند ۲ ضوابط طرح " کارگاههایی که بیش از ۵۰ کارگر دارند و فاقد طرح طبقه بندی مشاغل هستند مشمول طرح نمیشوند " یعنی تعداد عظیم کارگران کارگاهی که در کارگاههای با کمتر از ۵۰ کارگر اشتغال دارند و با داشتن سالها تجربه در رشته خود مجرب نیز میباشند ، جایی در طرح طبقه بندی مشاغل ندارند .

موضوع مهم دیگر اینکه ، کارگران خواهان آنند که تجربه ، تخصص و سختی شرایط کار جزو معیارهای اصلی تعیین دستمزد های مشاغل مختلف باشد و کارگران یک رشته شغلی در سراسر کشور دستمزد ثابتی دریافت داشته و مزایای سختی شرایط کار ناشی از موقعیت جغرافیایی ، نبودن امکانات رفاهی و غیره را جدا گانه دریافت نمایند . در صورتیکه طبق ماده ۱۹ طرح: بدلیل آنکه برای تعیین گروه شغلی ، عوامل مهارت ، مسئولیت فعالیتها ، فکری و جسمی ، شرایط محیط کار ،

سرپرستی ، گرما و سرما ، رطوبت و گرد و غبار و ... ملاک عمل بوده ، لذا کلیه پرداختهای بابت حق مقام ، سختی کار ، مزایای گرد و غبار ، فوق العاده شغل ، حق سرپرستی و امثال آن لغو و هیچ گونه وجهی از این بابت پرداخت نخواهد شد " ولی کارگران بسا ترفندهای فوق آشنا هستند و میدانند که رژیمی که حداقل دستمزد را ۶۳۵ ریال تعیین کرده در حالی که اجاره و اطاق بدون امکانات در هیچ کجای کشور کمتر از ۱۵۰۰ تومان در ماه نیست و حبوبات کیلوئی بیش از ۴۰ تومان برنج کیلوئی ۸۰ تومان گوشت ۱۰۰ تومان میباشد هرگز دستمزد بیشتری به کارگری که در بنادر جنوب و یا در کویر و یا مناطق سرد سیر اشتغال دارد از کارگر واجد شرایط مشابه در سایر نقاط کشور پرداخت نخواهد کرد ( همه میدانند که در نقاط محروم و بد آب و هوا چون سیستان و کردستان به علت کمبود شدید کار دستمزد پرداخت نمیگردد )

طبقه بندی مشاغل از دید کارگران کارگران خواهان آنند که حداقل دستمزد در یافتی بابت فروش نیروی کار تکافوی مخارج متوسط یک خانواده چهار نفره را بنماید و اگر چه میدانند بهبود شرایط زندگی کارگران میسر نخواهد بود مگر با سرنگونی رژیم سرمایه داران و محو کار مزدوری ، ولی در شرایط استقرار مناسبات سرمایه داری نیز

بقیه در صفحه ۱۶

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

اساسی تر نقطه ضعف جنبش در استقرار حکومتی انقلابی - توده‌ای و کسب مطالبات انقلابی بشمار می‌آید، از هم گسیخته است. مطالبات انقلابی اما غریزی و ناپخته توده‌ها که مقهور تهاجم شعارهای مبهم و توهم زای مبتنی بر سنن، عادات و خرافات شده بود تا حدود زیادی شکل گرفته، متکامل شده و از سموم خرافات رها گشته است. با تمام این احوال حتی در سال ۵۷ نیز توده‌ها با مطالبات خاص خود و با هدفی که در بطن آن نطفه‌های کسب قدرت سیاسی پرورش می‌یافت، به نبرد با رژیم شاه برخاستند. اگر توده‌ها در تداوم نبرد با رژیم شاه اسیر جمهوری اسلامی شدند، اما این جمهوری نه انتخاب آگاهانه آنان بود و نه ثمره تکامل نطفه‌های قدرت سیاسی که در بطن مبارزات انقلابیشان در حال شکفتن بود. جمهوری اسلامی ارگان حکومت طبقاتی بود که بعلت ناآگاهی، عدم سازمانیافتگی و وضعیتی نمایندگان سیاسی توده‌های انقلابی بر جامعه استیلا یافت. و این هنوز حتی بعد از تسلیم شدن توده‌های انقلابی و در راس آنها طبقه کارگر به این قدرت و چشم پوشی از کسب قدرت سیاسی نبود. طبقات و اقشار مختلف اجتماعی - اعم از انقلابی، بینابینی و ضد انقلابی - به تابه انگیزه‌های متفاوت - اعم از آگاهانه و با غریزی - به عرصه مبارزه با رژیم شاه وارد و یا کشانده شدند و بر همین مبنا صف سرنگونی (که

## قیام بهمن و ...

صف انقلاب بخشی از آنرا تشکیل میداد) اگر چه ظاهراً همگون می‌نمود و در با اصطلاح جنبش ضد سلطنتی تبلور یافت، لیکن انگیزه‌های متفاوت طبقاتی در امر سرنگونی الزاماً با آلترناتیوهای اثباتی متفاوت متناظر بود. اما وجود آلترناتیوهای متفاوت از سوی نیروهای طبقاتی شرکت کننده در صف سرنگونی به یک درجه قابل درک نبود. و لذا پافشاری بر اعمال هر مونسی طبقاتی و سلطه آلترناتیو قدرت سیاسی بر جامعه از سوی نیروها طبقاتی نمیتوانست بیکسان صورت بگیرد. در اینجا لازم به تذکر است که پافشاری طبقات بر مطالبات و اهداف طبقاتی بمعنای تحت - اللفظی اراده گرائی نیست. درجه پافشاری مبتنی است بر برآیند مجموعه عواملی از قبیل درجه آگاهی، تشکیلات، سابقه مبارزاتی و وضعیت نمایندگان سیاسی که میزان درک و توان مبارزاتی طبقه را مشخص میکنند. بر این مبنا، توده‌های زحمتکش اگر چه در نفی رژیم شاه دارای انگیزه‌های ملموس و تجاربت عملی قوی بودند، لیکن در ساله اثباتی عمدتاً با اتکا به غرایز طبقاتی عمل میکردند. تحت این شرایط برای توده‌های کثیری آن نوع قدرت سیاسی که منطبق با منافع طبقاتیشان است بطور مشخص رخ ننموده و مبهم بود، اعمال

رهبری پوپولیستی خمینی بر جنبش توده‌ها بر اساس همین ابهام تحقق پذیرفت. با این وجود کارگران و زحمتکش شهر و روستا، در تداوم جنبش، گرایش خاص خود را در تشکیل دولت خود بروز دادند. اما این بروز در زیر سلطه ایدئولوژی بورژوائی حاکم و سنت‌ها و اعتقادات باز مانده از اعصار کهن که بخش‌ها از بورژوازی بر آن تکیه داشت و به آن دامن میزد، مقید شد، بدون آنکه موجودیتش زایل شده باشد. بطور کلی، در دوران بحران انقلابی، زمانی که جنبش توده‌ها دامن میگستراند و تشتت در قدرت سیاسی حاکم تشدید میشود، صف گسترده‌ای از طبقات و اقشار اجتماعی از انقلابیون گرفته تا مرتجعینی که بنا بدلائل مختلف با قدرت سیاسی حاکم در تضاد افتاده و یا تداوم حاکمیت آنرا دیگر بصلاح ندانند تشکیل میشود. از اینرو قدرت سیاسی جانشین عموماً دارای مؤلفه کاملاً مشخص طبقاتی آنچنان که دولت‌ها در دوران تثبیت دارا هستند، نیست. بنا به درجه آگاهی و توان طبقات شرکت کننده در صف سرنگونی، گرایشات مختلف طبقاتی به اعمال قدرت سیاسی میبرد ازند: بطور مستقیم و غیر مستقیم، شکل گرفته و با خام و نطفه‌ای. پس از سرنگونی قدرت سیاسی حاکم، گرایشات مختلف طبقاتی بمنظور تطابق قدرت سیاسی جدید با منافع طبقاتی خود بمقابله با یک دیگر پرداخته و به تصفیه دولت بمعنای اعم کله از گرایشات و عناصر بنده در صفحه ۱۲

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

مزاحم مبادرت میکنند . تا زمانی که بحران انقلابی بر جامعه حاکم است ، تا زمانی که قدرت سیاسی جدید در راستای منافع طبقاتی مشخص تشبیه نشده است ، تا زمانی که توده ها به خواستهای انقلابی خود دست نیافته و بنا تسلیم نگشته اند ، کشاکش انقلاب و ضد انقلاب و تصفیه حساب بین گرایشات قدرت سیاسی جدید ادامه دارد . روند اوج پاینده انقلاب و یا روند فزونی انقلاب که در تمامی انقلابات جهانی وجود داشته بر همین مبنا استوار بوده است . امتزاج گرایشات طبقاتی مختلف در قدرت سیاسی جدیدی که هنوز تصفیه نشده و تشبیه نگرد است توده ها و حتی نیروهای سیاسی انقلابی را به کجراه کشانده و از ذرک اینکه قدرت واقعی در دستان کیست دور میکنند . تحلیلهای متفاوت نیروهای سیاسی از ماهیت و ترکیب قدرت سیاسی که پس از قیام بهمن ماه در ایران استقرار یافت ، نمونه گویائی در این مورد است و این نیز خود زمینه ای بود که توده های انقلابی که در تحلیل نهائی برای کسب قدرت سیاسی ( هر چند بطور غریزی ) به پستی پائی قیام مبادرت ورزیدند ، قدرت واقعی دولتی را به نمایندگان واگذار کردند و در وجه عمده از آن خود انگاشتند که در حقیقت نماینده قدرت سیاسی آنان نبود . اما نطفه های قدرت سیاسی واقعی توده ها ( نطفه های دولت انقلابی ) در کنار دولت واقعی در حال شکل گیری بود .

بهر حال ، با توجه به آنچه که تا کنون بیان گردید ، پس از قیام بهمن ماه سه گرایش اصلی در چگونگی

## قیام بهمن و ...

ساختمان قدرت سیاسی از یکدیگر متمایز است : گرایش ولایت فقیهی ، گرایش پارلمانتاریستی و گرایش شورائی . هر کدام از این گرایشات که متناظر بر منافع طبقاتی خاصی است معرف سه شکل حکومت است : حکومت اسلامی ( یا جمهوری اسلامی بمعنای ولایت فقیهی آن ) ، جمهوری دیموکراتیک ( و یا معادل آن جمهوری دیموکراتیک اسلامی ) و بالاخره جمهوری دیموکراتیک خلق ، سه تشریح مختصر هر یک از این گرایشات و میزان تحقق آن میسر از الف : گرایش ولایت فقیهی

این گرایش اساساً دیدگاههای سرمایه عقب مانده را در جامعه منعکس میکند . بورژوازی تجاری ( و برای آنکه دقیقاً وابستگی به سرمایه عقب مانده به ذهن متبادر شود میتوان از اصطلاح بورژوازی تجاری سنتی استفاده کرد ) بنا الحاق لایه های بالای خرده بورژوازی سنتی ، رهبری این گرایش در سطح جامعه را به عهده داشت . لایه کثا پائینی و میانی خرده بورژوازی سنتی با تمامی تضادهای بنیاد پشای با رهبری این گرایش ، شدیداً نسبت به آن توهم داشته و به دنبالش روان بودند . علاوه بر اینها این گرایش خیل حاشیه نشینا و لومین ها را نیز بدنبال داشت این طیف گسترده که نقطه قوت این گرایش بود ، بدلیل گوناگونی اشرار و طبقات تشکیل دهنده اش و لذا منافع متضاد طبقاتی در خود گرایش به شکنندگی و تجزیه داشت . نیروهای طبقاتی متعلق به سرمایه عقب مانده که با توسعه سرمایه

داری در ایران و ادغام آن در سیستم جهانی امپریالیستی بر مبنای تقسیم کار نوین امپریالیستی از نقط نظر منافع و مواضع طبقاتی در تضاد با سرمایه های بزرگ صنعتی و انحصار قرار داشتند به مبارزه با قدرت سیاسی حاکم پرداختند .

در عین حال شیوه حکومتی این گرایش و مضمون آن به شکل اصلی و عریانش قادر به کشاندن توده ها بدنبال خود نبود . شارلاتانیزم رهبری این گرایش و در راس آن خمینی بر اساس درکشان از این ذهنیت توده ها بنا شده بود خمینی چندین سال قبل از اوجگیری جنبش توده ها ، زمانی که استقرار حکومت اسلامی بعید می نمود ، در رساله اش بنام ولایت فقیه اعتراف کرد که " الان گذشته از علمه مردم طبقه تحصیل کرده چه دانشگاهی و چه بسیاری از تحصیلین روحانی ، اسلام را درست نفهمیده اند و از آن تصور خطائی دارند . . . چنانچه کسی بخواهد اسلام را آن طور که هست معرفی کند مردم به این زود بها باورشان نمی آید . " و خمینی نیز اسلام را آنطور که می فهمید یعنی آنطور که مبتنی بر گرایشات حکومتی سرمایه عقب مانده بود ، معرفی نکرد تا مردم زود بهاورشان بیاید .

مضمون و شیوه حکومتی این گرایش ، در هنگامه جنبش توده ای نه تنها مسکوت ماند بلکه باپردای از اوهام و ابهامات و شعارهای مردم فریب پوشانده و دگرگون شد تا مردم زود بهاورشان بیاید . اما خمینی در همان رساله ، یعنی در زمانی که نیاز به این شیوه شهادی نداشت ، مضمون و شیوه حکومتی

بقیه در صفحه ۱۳

## قیام بهمن و ...

مضمون و شیوه حکومتی این گرایش به این نحو عریان آنها در زمان اوج جنبش انقلابی، از سوی توده ها قابل پذیرش نیست پس به نبرک و فربه متوسل شده و توده ها او را برهبری برگزیدند. اما شیادی خمینی در به زیر سلطه در آوردن جنبش توده ها یک سوی قضیه است. سوی دیگر قضیه (که اساسی تر نیز میباشد) همان مساله ایست که در ابتدای مقاله بعنوان عدم درک توده ها از نقش و ماهیت قدرت سیاسی به آن اشاره شد. و در میان عواملی که در آن زمان بر درک توده ها از نقش و ماهیت قدرت سیاسی میتوانست موثر باشد، باید به نقش نیروها سیاسی انقلابی اشاره کرد که قاطعانه به افسان ماهیت رهبران و نیروها سیاسی نبرد اجتناب و از ایفای نقش واقعی خود باز ماندند. در اینجا حساب نیروها سیاسی دیگری که خود به این توهم دامن میزدند (مثل سازمان مجاهدین خلق) خود آتش بهار معرکه بودند جداست.

بهر حال، این گرایش بهمان شکل و محتوای اصلیش نمی توانست بطور کامل در جامعه متحقق شود و تثبیت گردد. اصولاً گرایش طبقاتی و مبارزه بر مبنای این گرایش بمعنای تحقق آن نیست. درجه تحقق یک گرایش در هر برهه از زمان بستگی به شرایط عینی، ذهنی موجود جامعه دارد. هر چه قدر که گرایشی از شرایط عینی و ذهنی جامعه دور باشد، درجه تحقق آن کمتر است. گرایش ولایت فقیه نیز بهمان شکل

این گرایش را بنحویز ترسیم کرده بود: "حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است (البته مشروطه خمینی بهمان معنای مشروعه شیخ فضل اله نوری است) البته نه مشروطه بمعنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین، تابع آرا اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از اینجهت که حکومت کنندگان در احرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. اما این قوانین اسلام چیست؟ وی ادامه میدهد "آیا رسول اکرم و خلفای بعد از رسول اکرم بنایشان بر این بود که مسائل را دست مردم بدهند و بگویند با شما کاری نداریم؟ یا بعکس، حدود معین کرده بودند و شلاق میزدند، و رجم میکردند، حبس میدادند و نفق بلد میکردند؟ به فصل حدود و دیات اسلام رجوع کنید ببینید همه اینها از اسلام است و اسلام برای این امور آمده است."

حوزه عمل این گرایش مشخص شد، اما رابطه ولی فقیه با توده ها چگونه است؟ ولایت فقیه از امور اعتباری عقلانی است و واقعیتی جز جعل ندارد، مانند جعل (قرار دادن و تعیین) قیم برای صخره، قیم طلا یا قیم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد و بر همین مبنا است که "فتها از طرف امام (ع) حجت بر مردم هستند" و بر همه مردم لازم است که از او (یعنی ولی فقیه) اطاعت کنند."

خمینی به این نکته واقف بود که

و مضمون اصلیش بهمانه سلطه بلا منازع سرمایه عقب مانده بر جامعه، با توجه به شرایط عینی و ذهنی، امکان تحقق کامل نداشته عوامل متعددی این گرایش را اجباراً دگرگون ساخته و مانع تحقق کامل آن در جامعه شد. مهمترین این عوامل عبارتند از: توسعه سرمایه داری و بسته در ایران و ادغام ارگانیک آن در سیخ جهانی امپریالیست و رشد و گسترش سرمایه صنعتی، عدم توانایی تاریخ این طیف برهبری بورژوازی تجاری در کنترل و بهرکت در آوردن اقتصاد جامعه، اختلاف با بورژوازی لیبرال بهمانه یک پای حکومت که از سلطه کامل این گرایش بر جامعه می کاست (توجه شود که در این جامعه تا مسائل حول و حوش قیام مد نظر است، با اینحال عوامل موثر بر دگرگون کردن این گرایش عموماً ۱۰ سال گذشته را نیز شامل میشود، مثلاً اختلاف با بورژوازی لیبرال اگر چه بسدا بصورت رسمی شکسته شد، اما بورژوازی لیبرال مرتباً عود را در ارگانهای مختلف باز تولید میکرد که فعلاً بحث این مقاله نیست)، از دیگر عوامل موثر بر دگرگونه کردن این گرایش میتوان از وجود اقشار و لایه های متفاوت خرده بورژوازی سنتها نام برد که بر اساس مواضع متفاوت به تفسیر مضمون ولایت فقیه (و بویژه بر سر حدود مالکیت) پرداخته و از برائی ولایت فقیه می گاستند، و بالاخره وجود مطالبات انقلابی و ارگانهای توده ای (شوراها، کمیته ها) بهمانه نطفه های دولت انقلابی توده ها که با تمام توهم نسبت به شخص خمینی بنیه در صفحه ۱۱



## قیام بهمین و...

و حکومت مشروطه شاه بود، در تداوم جنبش و تحت فشار آن، به جمهوری پارلمانی (و با همان مضمون قانون اساسی) گردن نهاد و تحت فشار جریان ولایت فقیه، خواستار جمهوری دموکراتیک اسلامی شد.

اما درجه تحقق این گرایش نیز بنا به عوامل متعدد از جمله عوامل زیر نمیتوانست کامل باشد:

۱- بطور کلی رو بنای سیاسی کشورهای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، دیکتاتوری عربان است، به ویژه در ایران که عوامل تاریخی، اقتصادی و اجتماعی و از جمله ضعف مفرط بورژوازی لیبرال این امر را تشدید میکند، از این رو امکان تحقق دموکراسی بورژوازی بسیار بعید مینماید.

۲- ائتلاف اجتناب ناپذیر این بورژوازی با گرایش ولایت فقیه که از همان ابتدا تحقق کامل این گرایش را مدفون ساخت.

۳- جنبش انقلابی توده ها که رفرمیسم این گرایش را چون حبابی بر سطح آب میتکاند و امکان تحقق این گرایش را سد میکرد.

۴- وجود مطالبات بنیادین انقلابی توده ها و ارگانهای اقتدار توده ای که با رفرمیسم این جریان در تضاد قرار داشت.

نیروهای انقلابی و به ویژه کمونیستها در افشای سازشکاری و رفرمیسم این گرایش که با مطالبات انقلابی توده ها در تضاد قرار داشت، در افشای ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی چنین گرایشی، در افشای محدود و عملکرد این گرایش که سد راه پیشروی انقلاب بود، نقش بسزایی ایفا کردند. ضعف کلاسیک

در بطن خود بر مبنای منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان استوار بود، و وجود نیروهای سیاسی انقلابی و به ویژه کمونیستها و نفوذ معنوی آنها بین کارگران و زحمتکشان حتی بین بخشهای از آنان که به خمینی و رژیم معتقد بودند، اما بر مبنای مطالبات انقلابی و غرایز طبقاتی خود از چپ انقلابی تاثیر می گرفتند. تمامی این عوامل مانع تحقق کامل گرایش ولایت فقیه بر جامعه و تثبیت آن بود. اما این عدم تحقق کامل بمعنای تاثیر مهم این گرایش بر ساختمان قدرت سیاسی و تاثیرات مخرب آن بر زندگی اقتصادی اجتماعی جامعه نمی توانست باشد.

### ب: گرایش پارلماناریستی

این گرایش اساساً دیدگاههای سرمایه داری صنعتی را که بورژوازی متوسط صنعتی در مرکز ثقل آن قرار داشت منعکس میکرد. نیروهای طبقاتی تشکیل دهنده این گرایش از همگونی بیشتری نسبت به گرایش ولایت فقیه بر -

خود دار بود و عمدتاً شامل بورژوازی لیبرال (که رهبری این گرایش را داشت)، لایه های فوقانی از خرده بورژوازی جدید تکنوکراتها، و بوروکراتهای عالی رتبه بود.

تضاد این گرایش با سرمایه انحصار و رژیم شاه، تضادی بنیادین بشمار نمی رفت، و حد اکثر از کسب سهم بیشتری از ارزش اضافی اجتماعی، اصلاحاتی در سیستم اقتصادی وقت و شکل قدرت سیاسی نمیتوانست فراتر برود. رفرمیسم مشخصه اصلی این گرایش را تشکیل میداد. این گرایش که در ابتدا نظام پارلماناریستی را

نیروهای انقلابی و به ویژه نیروهای پیشاهنگ به ویژه در سال ۵۷ و قبل از قیام در نشان دادن سازشکاری و ماهیت ضد انقلابی این جریان نبود، ضعف کار عمده تا بهر سکوت و یا انتقاد های محتاطانه آنان نسبت به افشای نقش و ماهیت گرایش ولایت فقیه استوار بود. و بنا به هر دلیل اعم از عدم شناخت کافی نسبت به ماهیت آن گرایش و یا اینکه توده های وسیعی نسبت به آن گرایش توهم داشته و آنرا پذیرفته اند، و یا اینکه بهینش که هر نوع انتقاد و افشای بی رحمانه اما منطبق بر اصول، صف انقلاب را در مقابل رژیم شاه تضعیف میکند و یا هر دلیلی از این نوع، نشانه ضعف بینش و یا نفوذ ایده های اپورتونیستی در نیروها پیشاهنگ محسوب میشود.

نیروهای پیشاهنگ با افشای سازشکاری و نقش ضد انقلابی بورژوازی لیبرال و سکوت و یا هر خورد محتاطانه با جریان تحت رهبری بورژوازی تجاری، عملاً و غیر مستقیم و ناخواسته - بنا به میزان نفوذ تبلیغی و ترویجی خود - به تطهیر این جریان پرداخته و راه را بر نفوذ بیشتر این جریان بر جنبش انقلابی توده ها و به تحت سلطه درآورد آن باز گذاشتند. تجربه گرانقدری که با قیمتی گزاف کسب شده و در انقلاب جاری توده ها باید دقیقاً رعایت شود.

بهر حال، مولفه دو گرایش فوق قدرت سیاسی واقعی را تشکیل داد ما از این قدرت در نبرد خلق شماره یک بعنوان ارگان سازش یاد کردند ارگان سازش، ارگان در هم آمیخته مضمون و شیوه حکومتی گرایش ولایت فقیه و گرایش پارلماناریستی

# برخی از ...

نکته می‌رسیم که یک عامل که در سالهای ۵۶-۵۷ وجود داشت و موجب تسریع روند شکل‌گیری قیام و انجام آن شد، عامل آترناتیو قدرت سیاسی بود. عاملی که برای تسریع در شکل‌گیری قیام و انجام آن لازم است و بدون چنین عاملی شرایط قیام خیلی دشوار می‌گردد البته باید توجه داشت که آترناتیو قدرت سیاسی خود نیز بر زمینه شرایط خود ویژه جامعه، تشکل، آگاهی و تجربه توده‌ها و ... و شکل بروز مبارزه طبقاتی بستگی دارد. بر این مبنا آن نوع از آترناتیو قدرت سیاسی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ شکل گرفت تحت شرایط موجود جامعه امری سپری شده و مرده است. در آن زمان، بنا به مجموعه کلیه عوامل، آترناتیو قدرت سیاسی حول شعار مرگ بر شاه و حکومت اسلامی برهبری خمینی وجه غالب و فراگیر یافت. اما این آترناتیو قدرت سیاسی برای توده‌ها گنگ و مبهم بود و از سوی دیگر طبقات و اقشار مختلف هر یک بر اساس غرایز طبقاتی و یا ادراکات طبقاتی آنرا تفسیر میکردند. ولی بهر حال و با وجود تمامی این سببها روشننها و ابهامات این آترناتیو بصورت قدرتی مادی در جامعه ظاهر شد. توجه شود که توهم و خرافات هم وقتی توده‌گیر شود بصورت نیروی مادی در می‌آید، اگر چه این نیروی مادی بدلیل اساس موهومیش می‌شکند، چنانکه پس از استقرار رژیم

جمهوری اسلامی بتدریج شکسته شد. حال، اما در شرایط خود ویژه کنونی جامعه ما، تحت تاثیر تجربه‌ها و آگاهی‌های ناشی از سال ۵۷، توده‌ها براحتی و بسرعت به پذیرش آترناتیوی خاص تمایل نشان میدهند آترناتیو‌هایی شبیه به حکومت اسلامی مرده‌ای پیش نیست. اما بهر حال صرف پذیرش آترناتیو از سوی توده‌ها - اعم از اینکه آترناتیو پذیرفته شده توان پاسخ‌گویی به خواستهای توده‌ها و رهبری آگاهانه مبارزات آنها را داشته باشد یا نداشته باشد - یعنی زمانی که توده‌ها توان مبارزاتی خود را در راستای آترناتیو پذیرفته شده قرار می‌دهند سبب میشود که از جوششهای مختلف و پراکنده توده‌ای جلوگیری کند و مبارزات توده‌ها را گسترش دهد و تحت شرایطی به قیام نزدیک کند. بر همین مبنا است که الزاماً و همواره آترناتیو انقلابی میتواند انتخاب توده‌ها نباشد (بدلائل ضعف تشکیلاتی، آگاهی، تجربه، ضعف نیروهای انقلابی ...). اما تا زمانی که توده‌ها آترناتیو مشخصی را پذیرا نشده‌اند در چهار چوب اهداف مضامین آن آترناتیو مبارزات پراکنده توده‌ها کانالیزه میشود. بر این اساس احتمالات مختلفی سرنوشت جنبش انقلابی توده‌ها را در بر میگیرد از جمله: با پذیرش آترناتیو قدرت سیاسی سازشکار بورژوازی (بنابه دلائل مختلفی که قبلاً بر شمردیم) جنبش انقلابی توده‌ها در جهت مطامع پخش‌ها و انتشاری از طبقات مسلط اجتماعی درآمده و جنبش

به شکست کشانده میشود. تحت شرایطی دیگر ممکن است توده‌ها در اثر عدم آگاهی و توهم بسته پذیرش آترناتیوی که توان پاسخگویی به خواستهای انقلابی آنان را ندارد (مثل آترناتیو جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷) تن دهند لیکن بدلیل خواستهای انقلابیشان و بروز حتی غرایز طبقاتیشان در بطن و عمق، در تضاد با آترناتیو انتخاب شده قرار داشته باشند که در این صورت تداوم حاد مبارزه طبقاتی حتی پس از کسب قدرت سیاسی از سوی آترناتیو انتخاب شده حیات قدرت سیاسی جدید را در خطر قرار میدهد (مثل جنبش انقلابی توده‌ها پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی). حالات متعارفی از خصیت آترناتیو را میتوان مورد بررسی قرار داد که در این جا مجال آن نیست. بهر حال، اما مسائل فوق از یکسو لزوم وجود آترناتیو بطور کلی را مد نظر دارد و از سوی دیگر ضرورت و قوف به آترناتیو انتخاب شده که بتواند در راستای برآورد خواستهای انقلابی توده‌ها قرار بگیرد. اکنون که این سوال در اذهان عمومی نقش بسته که چرا مردم قیام نمیکنند، خود بیان این حقیقت است که یکی از عوامل ضروری برپایی برپایی قیام هنوز پخته نشده است بعنوان یکی از عوامل مهم میتوان گفت که آترناتیو انقلابی نتوانست است به وظائف خود جامه عمل بپوشاند و مبارزات توده‌ها را از هرز روی نجات داده و آنها را در جهت راستای صحیحی سازماندهی و رهنمون سازد. با وجودی که

کارگران با شکل و مبارزه میتوانند بخشی از حقوق حقه خود را دریافت نمایند و مبارزه برای تحمیل طبقه بندی مشاغل بر اساس خواست کارگران از جمله این امور است.

کارگران خواهان آنند که در مقابل کار مساوی مردان و زنان و جوانان و پیران در سراسر کشور حداقل دستمزد برابر بوده و مزایای سختی شرایط کار ناشی از موقعیت جغرافیائی، نبودن امکانات رفاهی و غیره جداگانه پرداخت شود و در میان ضوابط تعیین حد اقل دستمزد، تخصص و شرایط کار نقش اصلی را داشته باشند.

رئوس خواست های کارگران که بایستی در طرح طبقه بندی مشاغل منظور گردد بقرار زیر است:

- ۱- حد اقل دستمزد بر اساس تأمین حد متوسط هزینه های معیشت یک خانواده چهار نفره برای هر رشته شغلی در سراسر کشور تعیین و هر شش ماه یکبار بنسبت نرخ تورم افزایش یابد و مزایای سختی شرایط کار ناشی از موقعیت جغرافیائی و نبودن امکانات رفاهی علاوه بر حد اقل دستمزد پرداخت گردد.
- ۲- در میان ضوابط تعیین حد اقل دستمزد، تجربه تخصص و شرایط کار نقش اصلی را داشته باشد.
- ۳- در برابر کار مساوی مردان و زنان و پیران و جوانان دستمزد مساوی پرداخت گردد.
- ۴- طبقه بندی مشاغل در کلیه کارگاهها به مرحله اجرا در آید و هیچگونه محدودیتی از جهت تعداد کارگران کارگاه و سایر موارد وجود نداشته باشد.

۵- طبقه بندی مشاغل بایستی تحت نظارت و کنترل کامل تشکلهای کارگری به مرحله اجرا در آید و در شرایط مشخص کنونی که تشکلهای انقلابی وجود ندارد از طریق مجامع عمومی خود یا انتخاب نماینده و با هر شکلی که ممکن باشد اقدام لازم در جهت کنترل و نظارت بر اجرای طرح صورت گیرد.

طبیعی است که نوع شکل و میزان مشارکت، کنترل و نظارت بستگی به درجه آگاهی، سوابق مبارزاتی، شکل یابی و... هر واحد داشته باشد. اما از طریق ایجاد ارتباط بین واحد های مختلف میتوان تجارب مبارزاتی را منتقل نمود.

**کارگران آگاه و مبارز!**

اکنون بر سر اجرای طبقه بندی مشاغل مبارزه ای از صودر جریان است. از طرف کارگران مبارزمهرای در یافت هر چه با صرفه تر ارزش نیروی کار و از طرف سرمایه داران و رژیم حامی آنان اجرای یک نظام دستمزدی سود آور و جلوگیری از تشکل و مبارزات کارگران در این شرایط، سازماندهی، هدایت، گسترش و پیوند مبارزات کارگران کام مهمی در پیشبرد این مبارزه میباشد. کارگران پیشرو موظفند با تبلیغ در بین کارگران، خواهان تشکیل مجمع عمومی شوند تا نمایندگان واقعی خود را انتخاب نموده، طرحی منطبق با خواستهای طبقه کارگر تهیه و اجرای آنرا به وزارت کار سرمایه داران تحمیل نمایند. کارگران باید از طریق ارتباطگیری با سایر کارخانجات دامن اتحاد و تشکل خود را هر

چه بیشتر گسترش دهند بخصوص اتحاد انقلابی کارگران کارخانجات یک رشته صنعتی همچون ماشین سازی، نساجی و غیره، از آنجا که مشاغل یکسانی دارند، گام ارزنده ای برای تحمیل طرح طبقه بندی مورد نظر کارگران میباشد.

**کارگران آگاه و مبارز!**

تجلیفات گسترده ای را در این زمینه آغاز نمایید، باید تمام کارگران را در بر خورد با طرح طبقه بندی مشاغل آگاه و مسلط نمود. باید پیچیدگیها سالوسانه قوانین بورژوازی را برای کارگران فاش کرد، باید ماهیت سوداگرانه تک تک آنها را بنمایش گذارد و راه بر خورد با آنها را به کارگران نشان داد و بالاخره باید مبارزه را برای اجرای طبقه بندی مشاغل منطبق با خواست کارگران سازمان داد. اما در این گیر و داد باید داشته باشید سخنان مارکس آموزگار کبیر کارگران جهان را که "طبقه کارگر نباید در مورد نتایج نهائی این مبارزه روزانه گرفتار مبالغه شود، او نباید از یاد ببرد که در این مبارزه روزانه فقط بر علیه معلولها مبارزه میکند و نه بر علیه طلی که این معلولها زائیده آنهاست، فقط جلوگیری را که موجب بدتر شدن وضع او است میگرد و طی جهت آنرا تغییر نمیدهد مکن بکار میبرد و طی بیمار را درمان نمیکند" و بالاخره وظیفه بلند مدت کارگران را اینطور یاد آور میشود که بجای شعار محافظه کارانه "دستمزد عادلانه برای روز کار عادلانه" باید شعار انقلابی "امحاء سیستم کارمزدی!" را هر پرچم خود بنویسید.

**۴ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است**



## سود ویژه حق مسلم کارگران است

در نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر استثمار کارگران است، سرمایه‌داران بمنظور کسب سود بیشتر، سعی در خرید هر چه ارزاتر نیروی کار کارگران دارند. بخش ناچیزی از ارزش بوجود آمده توسط کارگران را بعنوان دستمزد پرداخت نموده و بقیه را که ارزش اضافی نامیده میشود خود بعنوان سود سرمایه تصاحب میکنند هنگامیکه حرکت قدرتمند کارگران، سرمایه‌داران و دولت حامی آنها را مجبور به عقب نشینی میکند، سرمایه‌داران بمنظور فریب کارگران و تضعیف مبارزات آنها مقدار ناچیزی از ارزش اضافی را تحت عناوین مختلف مثل پاداش اضافه تولید، حق مسکن، حق اولاد، حق خواربار، سود ویژه و... به کارگران پرداخت میکنند تا جلوی مبارزات آنها گرفته شود و وقتی دولت سرمایه‌داران توانست مبارزات کارگران را مرکوب کند، این مزایا را کاهش خواهند داد. این همان سیاستی است که رژیم گذشته بکار میبست و اکنون رژیم جمهوری اسلامی نیز بدان توسل جسته است.

در حالیکه کارگران در سالهای ۵۷ و ۵۸ بر اثر رشد مبارزات خود بیش از چهار ماه سود ویژه دریافت میکردند و این علاوه بر عیدی و پاداش بود، با فروکش کردن مبارزات کارگران بعلمت مرکوب فاشیستی رژیم، سود ویژه پرداختنی بکارگران، توسط دولت سرمایه‌داران طاغوتی شناخته شده و تنها دو ماه و حداکثر مبلغ ۸۵۰۰ تومان بعنوان عیدی و پاداش بکارگران پرداخت میشود. اما رژیم جمهوری اسلامی نیز چون هر نظام سرمایه‌داری دیگر، با حرکت متحد و پولادین کارگران مجبور به عقب نشینی گشته و سود ویژه را افزایش خواهد داد.

### کارگران مبارز!

بپا خیزید، با ارتباط گیری با سایر کارخانه‌ها، مبارزات خود را متحد ساخته، رژیم سرمایه‌داران را مجبور به پرداخت هر چه بیشتر سود ویژه بعنوان بخشی از ارزش اضافی دریافت نشده خود نمایید. اما بخاطر داشته باشید که دریافت سود ویژه مسکنی بیشتر نیست و تا نظام سرمایه‌داری وجود دارد، همواره حق کارگران پایمال میگردد. نظام سرمایه‌داری و دولت حامی سرمایه‌داران را باید از طریق اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون کنید و حاکمیت کارگران و زحمتکشان را مستقر سازید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

کمیته کارگری - تهران



بود، یعنی آنچه که بشکل جمهوری اسلامی متبلور شد. این قدرت - سیاسی جدید بمثابة دولت، جمع اعداد ارگانهای حکومتی بود که بر اساس منافع متضاد و گرایش اصلی از یکطرف و منافع متضاد اقلی درون، هر گرایش بویژه گرایش ولایت فقیه از طرف دیگر، تضاد های لاینحلی را در خود داشت که با این ترکیب طبقاتی امکان شبیث را غیر ممکن میساخت. در همین حال این ارگان بورژوازی با وجود تمامی تضاد های بنیادین درونیش، بنا به ماهیت ارتجاعی و ضد خلقیش، در سرگردن پیشروی انقلاب، در سرکوب مبارزات انقلابی توده ها، در مضمحل نمودن ارگانهای اقتدار توده های و... هراستاد هماغه عیل میکردند، اگر چه در مورد چگونگی و شیوه های سرکوب انقلاب دارای نظرات خاص خود بودند. بهمین دلیل این ارگان سازش بنیابه قدرت سیاسی واقعی از همان بدو امر با " دولت انقلابی توده ها" از در ستیز در آمد و کمر به نابودی آن بست.

**ج: گرایش شورائی**

گفتم که در هر انقلاب توده ها به تشکیل دولت خود میپردازند ارگانهای اقتدار توده های و اساساً شوراهای نمودار نطفه های دولت انقلابی توده ها بود که بویژه پس از قیام گسترش یافت. گرایش شورائی نمودار مضمون و شکل قدرت سیاسی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا است که بصورت کیفی از دو گرایش سابق الذکر متمایز است. این گرایش نمودار نوع جدیدی از دولت است که با توجه به شرایط عینی و ذهنی

**قیام بهمن و...**

وجود و طبقات تشکیل دهنده آن در ایران مقدماً بشکل جمهوری دمکراتیک خلق سازمان می شود. شورا ها و کمیته هایی که مقدماً پس از قیام بهمن ماه در کارخانه و روستا، در مدرسه و دانشگاه و در میان پرسنل انقلابی ارتش و لایه های تحتانی و میانی اقشاری از خرده بورژوازی تشکیل شد و روبرو به گسترش و تعمیق گذاشت نطفه های دولت کارگروان و زحمتکشان شهر و روستا بود. اما این ارگانهای انقلابی توده های بنا به دلائل مختلفی که فعلاً در اینجا مجال بحثش نیست، اگر چه بطور نا هماغه و غیریزی در جهت استقرار قدرت دو گانه به پیش رفتند، لیکن بنا به دلائل مختلف و بویژه نبود یک رهبری قوی پرولتری بر آنها این پیشروی متحقق نشد، بلکه با سیاستهای سرکوبگرانه ارگان سازش به نابودی گرایش کارگران و زحمتکشان نتوانستند پس از قیام دولت خود را بر پا دارند

جه عواملی سبب این عدم تحقق بود؟ شرایط عینی و ذهنی بر چه مبنایی بود؟ آیا اساساً زمینه های عینی و ذهنی برای تحقق این نوع دولت در ایران مهیا نبوده و اکنون نیز نیست؟ نقش نیروهای پشاهنگ در این رابطه چه بود؟ اهمیت پاسخ های مشخصی به این قبیل سئوالها در پیشبرد مبارزات جاری توده ها و تحقق پیروزی قطعی انقلاب جای چون و چرا ندارد. تجربه ها و دستاوردهای دوران تدارک قیام بهمن ماه و پس

از آن سانشان غنی است که هم برای توده و هم برای نیروهای پشاهنگ، زمینه های مساعدی را در دست یابی به پاسخ های مشخص فراهم نموده است. باشد که در قیام مجدد توده ها این تجربه ها را چراغ راهنمایی خود گردانیم به این مساله باز خواهیم گشت.

داود دارد

**برخی از...**

بحران عمیق تر از بحران قیام ۵۷ است و آگاهی توده ها نیز بالاتر، اما هنوز شرایط قیام آماده نگشته است.

البته باید تاکید کنیم که آماده شدن شرایط قیام و تسریع این روند از جانب پیشگامان انقلابی بهمین این نیست که خود نیروها را سازمانهای پشاهنگ بجای مردم قسیم کنند، بلکه اساساً باید این حقیقت را کاملاً درک کرد و پذیرفت که قیام کار توده ها است و تا زمانیکه شرایط آن آماده نگشته است دست زدن به قیام از جانب پشاهنگ، بمسوخ کشاند توده ها است.

با متشکل کردن توده ها و با بردن شعار های انقلابی و برنامه انقلابی به درون توده ها میبایست به مبارزات آنها تداوم بخشید و از طریق پیشبرد و ارتقاء مبارزات توده ها علیه رژیم سیاستهای وی تبلیغات وسیعی را سازمان داد.

التر ناتو پرولتری نقش تعیین کننده ای در شکل گیری قیام و پیروزی قطعی انقلاب و تحقق خواستهای واقعی توده ها پر عهده دارد.

# سپاهکل، آغاز...

## راهپیمائی ۲۲ بهمن...

منفی کرده بودند به شکست کامل کشانیدند و نشان دادند که نه رژیم جمهوری اسلامی را قبول دارند و نه حاضرند بخاطر فاجیع این رژیم، به رژیم منحوس سلطنت روی آورند.

هی اعتنائی و تحریم انقلابی توده‌ها منی بر عدم شرکت آنان در مراسم رژیم نشانگر خشم و نفرت عمیقشان نسبت به رژیم است که تا کنون جز فقر و فلاکت، کشتار و بی خانمانی، بیکاری و... ارمقانی برای آنان نداشته است و دیری نخواهد پایید که خشم نهفته توده‌ها به آشفشانی عظیم بدل گشته و تومار ننگین رژیم جمهوری اسلامی را به گورستان تاریخ سپارد.

### اطلاعیه

سازمان در سیستان و بلوچستان می باشد. نشریه بامی استار از مدتها قبل بدلائل تشکیلاتی انتشار نیافته است و اقدامات لازم جهت انتشار مجدد آن بعمل آمده است اولین اقدام علی ما در جهت انتشار مجدد این نشریه، اعلامیه ایست تحت عنوان "هرما چه گذشت" لذا از کلیه هواداران در منطقه بلوچستان و سیستان و پاکستان میخواهیم با برخورد مسئولانه، اعمال ضد انقلابی و نفر فوق الذکر را افشاء نمایند.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
سیستان و بلوچستان

طبقاتی را موعظه کنند. آنان "صلح اجتماعی" و چشم پوشی از مبارزه طبقاتی و غیره را ترویج می کنند ولی تحت عنوان مارکسیسم اما جای لنین خالی است که ببیند این کمونیست نمایان چگونه با اولین شلاق مارکسیسم لنینسم دست پخت خود را نیز با سانسوی نمیکنند.

بهر رو مبارزه طبقاتی عملاً دشمنان مارکسیسم لنینسم را مطرود میسازد اگر رژیم جمهوری اسلامی به حذف فیزیکی آنان اقدام کرده است اما طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان از مدتها پیش دست برد بر سینه این دشمنان کارگران و زحمتکشان زده اند. آنچنانکه شاهد بودیم حزب توده تنها در اقشار مرفه خرده بورژوازی بروکراتها تکنوکراتها و قشر اشراف پرولتری مدافعینی داشت و در آینده نیز تا زمانیکه این قشر اجتماعی وجود دارد حاملین این تفکرات رویزیونیستی حال با هر نام و شکلی بازسازی خواهد شد.

واقعیت این است که سرنوشست جنبش کمونیستی ایران پس از ۱۹ بهمن ۴۹ با نام و آرمانهای والای چریکهای فدائی خلق ایران، گره خورده است. باید هر فدائوسی به این نقش حیاتی واقف بوده و با تبلیغ و ترویج مواضع انقلابی سازمان به وظایف انقلابی خود تداوم بخشد.



بدانجا پیش میروند که بر آنچه که خود گفته و مدتها تبلیغ و ترویج کرده اند خط بطلان میکشند و همچون عروسکان خیمه شب بازی هر آنچه را که بانها دیکته شود بازگو میکنند. در این رابطه موضع طبقاتی نیز عملکرد دارد، اما این عملکرد در آن مرحله خود را می نماید که فرد در شرایط انتخاب خط و مشی قرار میگیرد.

بعبارت دیگر قبول مواضع انقلابی با اپورتونیستی بستگی به مواضع طبقاتی افراد دارد. ممکن است که بدلیل عدم آگاهی، اقشار و طبقات بر خلاف مواضع طبقاتی خود به انتخاب خط و مشی بپردازند اما این امر در روند مبارزه طبقاتی آنان را متوجه انتخاب نادرستشان خواهد کرد. رویزیونیسم و اپورتونیسم بیکران حزب توده و "اکثریت" انعکاس منافع طبقاتی لایه های فوقانی خرده بورژوازی یعنی پایگاه طبقاتی آنان است و تزلزل و سازشکاری صفت مشخصه بارز این قشر اجتماعی است و با کمونیستهای راستین که مدافع منافع طبقه کارگر و حامل ایدئولوژی مارکسیسم لنینسم هستند فاصله بسیار دارد. بقول لنینستن دیالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی مارکسیسم در رشته تئوری، دشمنان او را وادار می نماید که به لباس مارکسیسم در آیند و بجای پیشبرد مبارزه طبقاتی، سازش

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



# اطلاعیه هواداران سازمان سیستان و بلوچستان

# یادداشتهای سیاسی ...

## راهپیمائی ۲۲ بهمن شکست سیاسی رژیم

اخیراً دو نفر بنامهای مطا و احمد در پاکستان با استفاده از نام بامی استار (نشریه هواداران سازمان در منطقه سیستان و بلوچستان) به پخش دروغ و اکاذیبی علیه سازمان دست زدند و به دروغ خود را بخشی از تشکیلات "بامی استار" معرفی کردند. احمد از مدتها قبل با چاپ کتابی بنام ادبیات بلوچ در پاکستان به توهم پراکنسی مشغول بوده است و هم اکنون در ارتباط مستقیم با خوانین ضد انقلابی منطقه در جهت تامین منافع آنها فعالیت مینماید. وی همچنین با منتسب کردن خود به سازمان، مبادرت به جعل مدارکی جهت افراد غیر سیاسی در پاکستان نموده است و از این طریق سعی در بی اعتبار نمودن سازمان در منطقه مینماید. بدین وسیله با اطلاع کلیه هموطنان مبارز، نیروهای انقلابی و هواداران سازمان میسرانیم دو نفر فوق الذکر هیچ گونه ارتباطی با تشکیلات هواداران سازمان در منطقه بلوچستان و سیستان و ارگان بامی استار ندارند. توضیح این نکته ضروری است که بامی استار تشکیلات جداگانه ای از تشکیلات هواداران در منطقه نبوده و نشریه هواداران بقیه در صفحه ۱۹

رژیم دارند، خانواده کشته شدگان جنگ که از رژیم مستوری دریافت میدارند و بالاخره مزدوران سپاه و بسیج و کمیته و خانواده هایشان که قشون حزب اله رژیم را تشکیل میدهند و نیروهای مسلح سازمانده از رژیم شاه که به همراه پاسداران جهت رژه نمایشی رژیم گرد آمده بودند و البته فضای وسط میدان آزادی را برای این رژه کذائسی خالی گذاشته بودند. در ساعات برگزاری مراسم، زندگی روزمره توده ها در نقاط مختلف تهران ادامه یافت و این امری بیانگر این واقعیت بود که توده ها مردم ضمن اینکه در مراسم رژیم شرکت نکردند، آرزوهای موهوم سلطنت طلبان فراری را که از مردم دعوت به خانه نشینی و مبارزه بقیه در صفحه ۱۹

امسال در سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن یکبار دیگر اوج فلاکت و شکست سیاسی رژیم در بسیج توده ها بنمایش درآمد. توده های مردم بویژه در تهران با عدم شرکت خود در مراسم نمایشی رژیم، خشم و نفرت خود را از خمینی و دار و دسته اش نشان دادند. ی علیرغم تبلیغات وسیع رژیم و تلاشها گسترده اش جهت بمیدان کشیدن توده های مردم و علیرغم یکارگیری شگرد های مختلف، در میدان آزادی از توده های مردم یعنی از کارگران و دیگر زحمتکشان خبری نبود. جمعیتی که بسختی میدان آزادی را پر میکرد عبارت بود از: افغانه و عراقیهای پناهنده، جنگرگانی که تحت پوشش رژیم از اردوگاهها بوزور آورده شده بودند، معلولین که بشدت وابستگی اقتصادی به

**پتک است خون من در دست کارگر**

**داس است خون من در دست بزرگر**

**گرامی باد خاطر هفدائیان خلق ترکمن**

**رقما توماج، مختوم، واحدی، جرجانی**



### جنبش گاوگری

## شرکت دخانیات

آخرین خبر رسیده حاکی از آن است که ۸۰ نفر از کارگران مبارز دخانیات هم اکنون در زندان گوهردشت کرج بسر میبرند و اجازه ملاقات هم ندارند.

بقیه کارگران بعنوان اعتراض به دستگیری همکارانشان همچنان به کم کاری ادامه میدهند.

با شگردهای مختلفی سعی میکند تا کارگران را از کم کاری باز دارد.

از جمله تعدادی از معلولین و مصدومین جنگ ارتجاعی را به کارخانه آورده است تا با اصطلاح احساسات کارگران را جریحه دار ساخته و آنها از کم کاری دست بردارند.

طبق اخبار متفاوتی که دریافت شده ۳-۶ نفر از کارگران دخانیات اعدام شده اند اما از آنجا که ملاقات باز داشت شدگان ممنوع

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

### جنبش توده‌های

مقاومت دهه داران در مقابل عوامل رژیم: کرج - هفته اول بهمن - ما مورین اداره راه و شهرداری با تفاق عده‌ای از پاسداران به جمع آوری دهه‌ها و بساط دست فروشهای کنار خیابان نمودند. در خیابان ۴۵ متری گلشهر دهه‌ها را جمع آوری کردند و در مدت ۲ روز بعد دوباره دهه‌ها با کمی عقب نشینی از محل قبلی، دوباره دهه‌های خود را برپا کردند. مزدوران رژیم همچنین به دستفروشهای راه جهان شهر که محصول سیب زمینی و پیاز بهین کرده بودند حمله کردند اما با مقاومت شدید دستفروشها مواجه شدند. این زحمتکشان که شبها را نیز در همانجا و کنار بساطشان بقیه در صفحه ۴

### اخبار زندانها

دیماه ۶۲ - گوهردشت: بعد از ظهر یکی از روزهای دیماه، خانواده‌ها هائیکه برای ملاقات مراجعه کرده بودند و حدود ۸۰-۷۰ نفر بودند قبل از ملاقات از سوی مسئولین وادار به پرداخت مقداری پول میشوند به این بهانه که فرزندان آنها در زندان خرابکاری کرده‌اند و حال خانواده‌ها باید خسارت آنها بپردازند هنگامیکه بقیه در صفحه ۳

### اخبار جنگ ارتجاعی

در هفته آخر بهمن ماه رژیم تعداد ۴۰۰۰ نفر را در منطقه مطهری واقع در بهارستان جمع کرده و پس از سخنرانی در مورد شهادت و شهید پروری بانها نهار داده و پس از آن یکی از عمال رژیم به مدعویین میگوید: هدف از آمدن شما در این مکان این بوده است که فرزندان شما در جبهه کشته شده‌اند و ما فقط میخواستیم خبر آنها بشما بدهیم. جنازه کشته شدگان نیز مفقود شده است. یکی از حاضران خطاب به مسئولین این جلسه گفت: "شما از هارون - الرشید هم بدترید حتی از قبل به ما اطلاع ندادید" اما مسئولین جلسه با ماستمالی کردن قضایا و اینکه شما ناراحت هستید این مطالب را میگویند و بعد هم پشیمان میشوید و... جلسه را به اتمام رسانید. در اواسط بهمن ماه سه فروند هواپیمای ۱۳۰ - ج (باری) حامل موشک و دیگر سلاحها که توسط رژیم از امریکا خریداری شده است در فرودگاه مهرآباد به زمین نشسته است. حمل محموله توسط کشور ثانی صورت گرفته است.



## پارس متال

۱۱/۷ تا ۱۱/۲۸

یکی از شیوه‌های رذیلانه‌ای که رژیم بکار می‌گیرد تا بین کارگران تفرقه افکند طرح مسئله پرداخت پاداش در مقابل اضافه تولید است در یکی از قسمتهای پارس متال که حدود ۳۰ کارگر دارد در مورد افزایش تولید و گرفتن پاداش نتوانستند مانند دیگر قسمتها عمل کنند چون کار در این قسمت مشکل است و افزایش تولید از حد کنونی مقدور نیست و حال آنکه کارگران دیگر قسمتها با اضافه کردن تولید پاداش دریافت میکنند . ( لازم بتذکر است که کارگران بدلیل فشارهای شدید اقتصادی تن به اضافه تولید می دهند آنها هم در مقابل پاداش و این تاکتیکی است که اخیراً رژیم در مقابل با کم کاری کارگران که بشدت گسترش یافته بود بکار می‌گیرد ) این موضوع باعث اعتراض شد . سه نفر از کارگران به سراغ مدیر عامل رفته و موضوع را با او در میان گذاشته و گفتند که ما در نبودن برق یا هوا یا گاز و چیزهای دیگر چون کارمان با دست است تولید می‌کردیم اما دیگر قسمتها تا برق می‌رود تولید را می‌خواستند و از او خواستند که به افزایش تولید بطور کلی برای عموم کارگران پاداش تعلق گیرد . قرار بر این شد که پس از چند روز مهلت در صورتیکه خواسته آنها برآورده نشود متحداً تولید خود را پائین بیاورند . در اثر پافشاری کارگران بر این امر سرانجام موفق شدند به این

خواست خود گره در حرفه‌ها عمل پوشند و مهندس تولید قول داد که در هر شیفت ۷ ساعت پاداش به هر نفر تعلق گیرد . اما پس از یک هفته این قول تحقق نیافت در بین کارگران دوشنبه بر خورد مشاهده شد عده‌ای مطرح می‌کردند که باید بطور دسته جمعی تولید را بمیزان  $\frac{1}{5}$  کاهش دهیم و عده‌ای می‌گفتند چون قول مساعد داده شده باید بار دیگر تذکره به مدیریت بدیم و اگر عطی نشد به کم کاری متوسل شویم . نامه‌ای تهیه کرده و بعد بر عامل کارخانه داده شد قرار بر این است که جلسه‌ای متشکل از ۸ نفر ( ۴ کارگر و چهار مسئول ) و خود مدیر عامل تشکیل شود و به خواست کارگران رسیدگی شود .

## دخانیات

بقیه از صفحه ۱ است اخبار دقیق اعداد شدگان ناممکن گشته است از دیگر شیوه‌های سرکوبخانه رژیم در دخانیات گماردن بسیجی‌ها در کارخانه جهت کنترل کارگران است و همچنین برای جلوگیری از ارتباط کارگران شیفت‌های مختلف ساعات کار بگونه‌ای تنظیم شده که پس از خروج کامل کارگران شیفت اول کارگران شیفت دوم بسر کار می‌آیند .



## تولیدارو

مدتی است که بدلیل بالا بودن میزان تولید و فشارهای روزافزون دیگر بر کارگران ، درگیری بین کارگران و سرپرستها هر روز بعد تازه‌ای می‌گیرد و حاد تر میشود . فشار سرپرست بخشها برای تولید بیشتر و زورگوییهای آنان مقاومت کارگران را در مقابل آنان بشدت برانگیخته است بطوریکه آنها ناچار شدند در اعمال فشار بر کارگران تجدید نظر کنند زیرا که اعتصاب و خانیات بشدت آنها را به وحشت افکنده است . و از یک ماه پیش تا کنون سیاست فریب و تحمق را در پیش گرفته اند باینصورت که به کارگران میگویند همه باید با هم همکاری کنیم تا تولید افزایش یابد و با شیوه بر خورد ریا کارانه و بظاهردل سوزانه اتخاذ کرده‌اند .

از دیگر ترفند های آنها اینست که مرتب جای کارگران را با یکدیگر عوض میکنند و سرپرستها هم مرتباً جابجا میشوند . همچنین استخدام روز مزد ها بشدت ادامه دارد در میان آنان تعداد زیادی حزب الهی و جاسوس وجود دارد حتی بعضی از آنها وابسته به حزب جمهوری اسلامی هستند .

انتخابات شرکت تعاونی مصرف کارگران :

روز ۲۶/۱۰/۶۲ انتخاباتی به منظور تعیین اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره فروشگاه تعاونی برگزار شد . تعداد زیادی از کارگران یا در انتخابات شرکت نکردند و یا شرکت کرده و رای سفید

بقیه در صفحه ۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزان ضد امپریالیستی - دمکراتیک خائنی ایران است

## کارخانجات مینو

خرمدره - پس از جدا شدن کارخانجات مینو خرمدره از گروه صنعتی پارس، د اود الدوسی به عنوان مدیر امور اداری شرکت انتصاب میشود. الدوسی قبلاً مدیر امور اداری شرکت مینو جاده کرج بود. در آنجا موجب نارضایتی کارمندان و کارگران بوده و پس مدبران شرکت نیز اختلاف داشت. وی از اقوام خویشی مدیر کارخانه است و توسط وی به کارخانه آورده شده است الدوسی اخیراً بخشنامه هائی صادر کرده که مضمون آن چنین است:

اضافه کاری ها کم میشود و در ثانی تماس تلفنی با بیرون کارخانه قطع میشود و هیچکس حق ندارد با خارج از کارخانه تماس داشته باشد (توضیح اینکه رژیم و عمالین با اضافه کاری صد درصد موافقت اما با پرداخت حقوق امانه کاری مخالف دارند) بخشنامه های فوقی موجب نارضایتی کارگران و کارمندان شده است و اعتراضاتی را برانگیخته است. همچنین کاهش لوازم شرکت تعاونی و میزان سهمیه کارگران یکی دیگر از موارد نارضایتی کارگران است.

یکی از اشکال مقاومت کارگران در مقابل عمال-رژیم و ابزار مخالفت با رژیم عدم شرکت کارگران در نماز با اصطلاح و حدت است بطوریکه مدیریت کارخانه تصمیم گرفت نماز وحدت را ماهی دو بار اجرا کند که باز هم با عدم استقبال کارگران مواجه شد و سرانجام انجمن اسلامی طی اطلاعیه ای یاد آور

شد که ما دو ساعت برای نماز را جزو ساعات کار حساب میکنیم و کسانیکه به نماز نیایند باید این دو ساعت را سرکار باشند که باز هم با بی اعتنائی کارگران مواجه شد.

## ایران ناسیونال

اخیراً در ایران ناسیونال هیئت مدیره را منحل کردند و یک هیئت مدیره و مدیر عامل جدید جایگزین کرده اند یکی از اعضای هیئت مدیره جدید بنام حاج آقا عطری نژاد هنگام خروج از کارخانه ۵ حلقه لاستیک پیکان با رنگ آن در داخل صندوق عقب اتومبیل خود گذاشته و قصد خارج شدن از کارخانه را می نماید نگهبان که متوجه موضوع شده از او میخواهد که صندوق عقب اتومبیلش را باز کند و مسئله رو میشود وی میگوید میخواستم ببینم متوجه میشوی یا نه؟ نگهبان موضوع را گزارش کرده و این دزدی بصورت اعلامیه در پیکان شهر منتشر میشود و انجمن اسلامی کارخانه که بشدت از تاثیرات این دزدی در کارگران به وحشت میافتد بسرعت اعلامیه ها را جمع آوری میکند. لازم به توضیح است که صفری مدیر عامل قبلی کارخانه نیز با ۶۰ میلیون تومان دزدی از این کارخانه و بر ملا شدن این دزدی ناچار به برکناری میشود.

## صنایع دفاع

هنرستان صنایع دفاع دیماه - این هنرستان در رژیم گذشته تا سپس شد اما پس از انقلاب

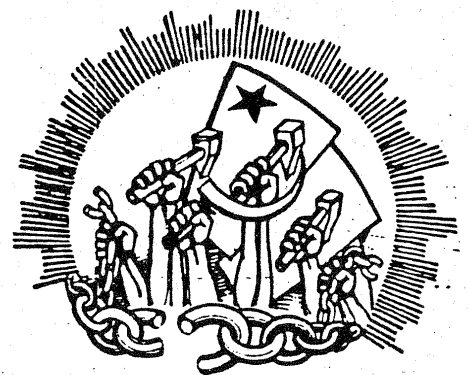
تعطیل شد و امسال دوباره شروع بکار کرده است و شاگردان جدید گرفته. شکل انتخاب شاگردان به این صورت بوده که پس از کنکور و امتحان ایدئوژیک و تحقیق در مورد خانواده و حتی فامیلیها و داوطلب او را انتخاب میکردند. با این فکر که دیگر مخالفی راه ورود نداشته باشد. شرایط هنرستان مانند ارتش سخت است و مدیریت آن نیز با ارتش است. چندی پیش (حدود اواسط دیماه) یکی از دانش آموزان بر روی عکس خمند که در راهرو هنرستان نصب شده بود با خود کار سبیل کشید. بمحض رسیدن خبر آن به مدیریت آنها همه دانش آموزان را به حیاط آورده و فردی از حفاظت ارتش حاضر شد و خواستار معرفی فردی شد که به عکس جلاد جماران توهین کرده است و چون جوابی نشنید همه دانش آموزان هنرستان را وادار به سینه خیز، کلاغ پر، بنشین و پا شو برای مدتی طولانی کرد و سپس بار دیگر گفت: یا کس را که این کار را کرده معرفی کنی یا اینکه باید تمامی برفهای محور را لیس بزنی و باز هم هیچکس سخنی نمیگوید این حرکت از صبح تا ظهر ادامه یافت سرانجام هنرجوی که برای خمینی سبیل کشیده بود برای اینکه دیگر هنرجویان را از فشار و شکنجه بدر آورد خود را معرفی کرد. از هنرجوی فوق تا کنون خبری در دست نیست و مزدوران رژیم او را به زندان منتقل کرده اند.

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

## تولیدارو

دادند. در یکی از بخشها کارگران می گفتند: "برای ۲ تا پفک نمکی رای بدیم؟ قابل ذکر است که تعاونی فوق الذکر مواد مورد نیاز کارگران را ندارد و اگر هم جنسی میآورد از طریق پارتی باری به نور چشمیها تحویل میگردد. خبر دیگری از تولید اروحاکلی از آنست که اخیراً تابلوی جدیدی جلوی کارخانه نصب شده با عنوان "شرکت سهامی خاص... و نصب این تابلو بدینجهت است که دولت تصمیم به بازگرداندن کارخانه به سهامداران اولیه آن گرفته است و از آنها دعوت بعمل آورده تا بایران برگردند.

در این رابطه سرپرست یک قسمت ضمن بیان و تأیید بازگشت سرمایه داران این واحد تولیدی و برای آماده سازگاری کارگران به پذیرش سرمایه داران فراری شرکت مطرح کرده است که آنها آدمهای خوبی بودند مگر بد کاری کردند که یک کارخانه تا سهین کردند تا عدهای کارگر مشغول کار شوند؟ گویا که سرمایه داران نه برای استثمار کارگران که برای رفع بیکاری دست به احداث کارخانه زده اند!



## اخبار زندانها

ملاقات آغاز میشود، فرزندان در بند آنها به پرداخت پول اعتراض میکنند و متذکر میشوند که این مزدوران اخیراً جیره غذایی را کاهش داده و به نصف رسانده اند، میوه نمیدهند و وضع بهداشت و درمان فساد عاده اسفبار است و تازه بول در ب شکسته دستشویی زندان را هم از شما میگیرند و از خانواده های خود خواستند که از پرداخت پول به این مزدوران خوداری کرده و صدای اعتراض آنان را بگوشی جهانیان برسانند. قابل ذکر است که زندان کوهردشت همان زندانی است که پس از قیام پر شکوه خلق در بهمن ۵۷ فیلمی از ساختمان نیه تمام آن نشان داده شد و از جنایات شاه و ساواک در مورد توسعه زندانها سخن های بسیار توسط سردمداران رژیم گفته شد اما همین زندان به سرعت تکمیل گشت

## جنبش توده‌ای

میخواهند، به ما موری و مزدوران رژیم گفتند: با این سرما و با این سختی در اینجا میسازیم تا زندگیمان را بگذاریم و شما نمی توانید ما را بیرون کنید. ما پول بدهید که شکم خانواده ما را سیر کنیم تا اینجا را تخلیه کنیم اما ما موری شهر داری و دیگر سرکوبگران که گوششان بد هکسار نبود قصد داشتند با لودر آنجا را در هم بکوبند که یکی از دست فروشها با سنگ ترازوی ۳ کیلویی به راننده لودر حمله کرده از ناحیه سر و صورت او را بشدت مجروح کرد و ما موری که چنین دیدند

و هم اکنون یک از مخوف ترین زندانیان رژیم است که عمدتاً زندانیان مقاوم در آن به بنده کشیده شده اند شکنجه بطور مداوم اعمال میشود تا روحیه زندان در هم شکند اما همه کوششها رژیم در بزانو در آوردن فرزندان دلاور خلق تا کنون با شکست کامل مواجه بوده است.

\* قزلحصار - با وجود اینکه اکثر زندانیان محکومیتشان مشخص است اما رژیم برای جلوگیری از حرکات اعتراضی و همبستگی زندانیان به بهانه های مختلف زندانیان را دستجمعی مورد ضرب و شتم قرار میدهند. اما روحیه مقاومت و مبارزه جوئی انقلابیون، این فرزندان راستین خلق مزدوران رژیم را به وحشت افکنده است. درود بر تمام انقلابیون در بند که با حماسه آفرینی های خود دشمن زیون را از پای در آورده اند.

میدان را خالی کرده رفتند. غار نیز متواری شد اما دیگر همکاران بعد از تاراندن ما موری رژیم همان در همان محل به کار خو ادامه میدهند. رژیم جمهوری اسلامی که بنا به ماهیت ضد خلقی اسقادر به پاسخگویی به خواستهای توده ها و از جمله بیکاری گسترده نیست - میخواهد با جمع کردن دهک داران و سرکوب آنان و فشار هر چه بیشتر بر آنان این زحمتکشان را وادار به رفتن به جبهه ها یا مزدوری در کمیته ها و سپاه و... نماید اما این ترغیب ها کاری از پیش نخواهد برد.

زندانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باید گردد



# درگیری وزارت کشور و شهرداری

چندی پیش و وزارت کشور که در ضلع جنوبی پارک شهر واقع بود تصمیم گرفت تا ساختمان شهرداری را که همان ساختمان حزب رستاخیز شاه بود از شهرداری بگیرد و شهرداری به محل وزارت کشور منتقل شود با این موضوع کارمندان شهرداری بشد مخالفت کردند و حتی دست به اعتصاب زدند اما علیرغم مقاومتی که از جانب شهرداری صورت گرفت و طرح مسائل که چگونه امکانات و کارمندان یک ساختمان وسیع و ۱۹ طبقه به ساختمان ۹ طبقه وزارت کشور منتقل شود و یا طرح این مسئله که با این حرکت باردیگر شهرداری به شعبات متعددی تقسیم شده و از سرعت کارها کاسته میشود . . . . سرانجام وزارت

کشور با فلداری تمام این ساختمان را از حنک شهرداری بدرآورد و اثاث خود را بانجا منتقل کرد و کارمندان شهرداری نیز عده ای به محل قبلی وزارت کشور رفتند و عده ای به خیابان ایرانشهر و عده ای به میدان ونک محل ساختمانهای جدید شهرداری منتقل شدند و بخش نیز هنوز محل کارشان مشخص نشده است حال مردمی که برای کار کوچکی وارد شهرداری میشوند ناچارند از شعبه به شعبه دیگر برای یک امضاء و . . . مراجعه کنند . در گیر و دار درگیری بین وزارت کشور و شهرداری ، شهرداری استعفا داده و شهرداری موقت نیز که موافق حرکت وزارت کشور است منسوب به وزارت کشور در این بین

چندی پیش و وزارت کشور که در ضلع جنوبی پارک شهر واقع بود تصمیم گرفت تا ساختمان شهرداری را که همان ساختمان حزب رستاخیز شاه بود از شهرداری بگیرد و شهرداری به محل وزارت کشور منتقل شود با این موضوع کارمندان شهرداری بشد مخالفت کردند و حتی دست به اعتصاب زدند اما علیرغم مقاومتی که از جانب شهرداری صورت گرفت و طرح مسائل که چگونه امکانات و کارمندان یک ساختمان وسیع و ۱۹ طبقه به ساختمان ۹ طبقه وزارت کشور منتقل شود و یا طرح این مسئله که با این حرکت باردیگر شهرداری به شعبات متعددی تقسیم شده و از سرعت کارها کاسته میشود . . . . سرانجام وزارت

که قصد مسافرت به شهرهای شمال را داشتند در شهر رشت توسط پاسداران دستگیر میشوند و بهانه نداشتن مدارک لازم یک شب بازداشت و فردای آنروز آزاد میشوند و زاده مسافرت منصرف شده و به تهران باز میگردند . همان شب

زن جوان در حمام خانه خود کشتی کرده و در نامه ای که از خود بجای میگذارد علت خود کشتی خود را تجاوز ۵ پاسدار در شب دستگیری اعلام کرده است . شوهر وی پس از این حادثه دچار بیماری روانی شده است . این نیز نمونه دیگر از جنایات و فجایع مسافرتی در

## گوشه ای از جنایات مزدوران رژیم

که میافتد و سپس اجساد مردورا پاسداران میبرند در حالیکه ماشین و کودک آنها در محل باقی ماند . اینگونه اعمال که بطور روزمره در کوچه و خیابان اتفاق میافتد از پیشمار جنایاتی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بکار میگیرد تا بهر نحوه شده تفکرات ارتجاعی خود را به مردم تحمیل نماید \* دیماه - زن و شوهر جوانی جنایتکار رژیم

در یکی از روزها با اصطلاح دهه فجر پاسداران مزدور ، جلوسوی ماشین را گرفته و به پوشش شوهر وی میگویند بسیار خوب رعایت می کند ولی پاسداران می گویند باید خانم با ما بیاید و اقدام به بردن او بزور میکنند . شوهر این خانم با اعتراض برخاسته و به زد و خورد با آنها میپردازد که با شلیک یک گلوله کشته میشود در این هنگام خانم شروع به اعتراض کرده و از مردم استمداد میطلبد که ماشین کشت دیگری سررسیده و چون سعی پاسداران در بردن او بجائی نمی رسد با و نیز گلوله شلیک کرده

جدول تعداد شرکت کنندگان در مسیروهای تعیین شده از سوی رژیم ترکیب آنها، نوع شعارها

در مراسم فرمایشی رژیم در ۲۲ بهمن - تهران

منطقه	زمان	ترکیب افراد	تعداد شرکت کنندگان	نوع شعارها
خیابان نواب تا میدان آزادی	۱۰ صبح	تعدادی افغانی - حزب الهی و دانش آموز که عجله داشتند عملیات نظامی را ببینند	۶۰۰۰-۸۰۰۰	مرکز آمریکا و شوروی می جنگیم می میریم سازش نمی پذیریم
سه راه آزادی - خیابان قزوین	۱۰-۱۱ صبح	حزب الهی و لپمن ها بسیجی ها پیر مردان ۴۰-۵۵ ساله خرد بپرزواری مرفه سنتی	۴۰۰۰ نفر	شعار داده نمیشد
میدان قزوین تا میدان انقلاب	۱۰ صبح	مردان و زنان حزب الهی و بسیجی تیپ های لپمن با حرکات خاص خود	۵۰۰ نفر	درود بر خمینی - مرد پر آمریکا و صدام
خیابان کارگر - جمهوری	۱۰/۵ صبح	عده ای با وانت و اتوبوس با ترکیب ذکر شده در بالا	۵۰۰-۴۰۰ نفر	_____
جمهوری	۹/۵ صبح	هیچ دسته ای وجود نداشت و زندگی عادی جریان داشت	_____	_____
فردوسی	۹/۴ صبح	ترکیبهای خانوادگی حزب الهی جلوی آنها یک آخوند	۲۰۰-۱۵۰ نفر	نوار آهنگران را گذاشته بودند
عشرت آباد و سرباز	۱۰ صبح	_____	_____	_____
طالقانی	۱۰ صبح	_____	_____	_____
میدان امام حسین	۱۰ صبح	ترکیب حزب الهی خانوادگی	۲۰۰۰ نفر	اکثراً در حال سوار شدن به اتوبوسهای رژیم
سید خندان بطرف پیچ شمیران	۸/۵ صبح	افراد مسن و بازاری خرده - بپرزواری سنتی و لپمن و حزب الهی	ابتدا ۳۰-۴۰ نفر از انتهای پیچ شمیران ۸۰۰-۹۰۰ نفر	مسلمان قیام کن و ...

لازم به یاد آوری است که این جدول بیانگر تمامی شرکت کنندگان نیست زیرا رژیم معلولین و جنگ زدگان را مستقیماً به مراسم برده و همچنین پاسداران و کمیته جی ها و ارتشیان از اولین ساعات صبح در میدان آزادی برای برگزاری رژه جمع شده بودند و حدود ۱۰۹۰ نفر از زندانیان بعلاوه تعداد زیادی محافظین آنها را برای پر کردن صحنه نمایش کذائی خود آوردند اما این جدول نشان دهنده آن نقاطی است که رژیم اعلام کرده بود مردم در آن نقاط جمع کرده و راهپیمایی نمایند میزان و ترکیب شرکت کنندگان کو یای این واقعیت است که توده های وسیع مردم مراسم فرمایشی رژیم را تحریم کردند.